

# اقتصاد مقاومتی

## ۲. ویژگی‌های آن، فرصت‌ها و تهدیدها

کد موضوعی: ۲۲۰

شماره مسلسل: ۱۲۸۱۷

بهمن‌ماه ۱۳۹۱

دفتر: مطالعات اقتصادی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

چکیده .....	۱
مقدمه .....	۱
۱. تعریف اقتصاد مقاومتی .....	۴
۱-۱. اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قواعد اسلامی .....	۵
۱-۲. دلایل نظری اقتصاد مقاومتی (اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی مرسوم) .....	۷
۲. ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی .....	۸
۲-۱. اقتصاد مقاومتی متنوع‌سازی اقتصاد .....	۸
۲-۲. سرمایه‌های کشور در اقتصاد مقاومتی .....	۱۰
۲-۳. دولت و بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی .....	۱۲
۲-۴. فناوری در اقتصاد مقاومتی .....	۱۶
۲-۵. مصرف و پس‌انداز در اقتصاد مقاومتی .....	۱۸
۲-۶. حمل‌ونقل و ترانزیت در اقتصاد مقاومتی .....	۲۴
۲-۷. نفت و اقتصاد مقاومتی .....	۲۸
۳. فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصاد مقاومتی .....	۳۰
۴. شاخص‌های نشان‌دهنده برقراری اقتصاد مقاومتی .....	۳۱
۴-۱. نرخ پایین بیکاری و عدم وجود بیکاری پنهان .....	۳۱
۴-۲. بهره‌وری بالای نیروی کار .....	۳۱
۴-۳. کاهش نرخ مهاجرت نخبگان به خارج از کشور .....	۳۲
۴-۴. افزایش کارآفرینان در اقتصاد .....	۳۳
۴-۵. دوقطبی نبودن جامعه .....	۳۳
۴-۶. تنوع درآمدهای صادراتی کشور .....	۳۳
۵. شباهت‌ها و تفاوت‌های اقتصاد سالم با مقاومتی .....	۳۴
راهکارها و پیشنهادها .....	۳۴
منابع و مأخذ .....	۳۷



## اقتصاد مقاومتی

### ۲. ویژگی‌های آن، فرصت‌ها و تهدیدها

#### چکیده

موضوع اقتصاد مقاومتی مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفته است. بر همین اساس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز با توجه به اهمیت موضوع تلاش دارد تا به بررسی مفهوم اقتصاد مقاومتی، الزامات و راهکارهای آن بپردازد. بر همین اساس اولین گزارش از سلسله گزارش‌های اقتصاد مقاومتی با عنوان «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن (ویرایش اول)» در شهریور ماه ۱۳۹۱ منتشر شد که در آن ضمن تبیین چارچوب‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، مؤلفه‌های یک اقتصاد مقاوم شناسایی شده و گام‌های مطالعات آتی درخصوص اقتصاد مقاومتی مشخص شده است. این گزارش به‌عنوان دومین گزارش از سلسله گزارشات اقتصاد مقاومتی به بررسی وضعیت یک اقتصاد مقاوم در شرایط بین‌المللی می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که عنصر حیاتی اقتصاد مقاومتی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی بین‌المللی کشور از همان ابتدا مانع از جذب سایر کشورها به جرگه دشمنان کشور می‌شود، درحالی که سرمایه اجتماعی داخلی نیز نه‌تنها اقتصاد داخلی را تقویت می‌کند، بلکه پشتیبان سرمایه اجتماعی بین‌المللی کشور نیز، هست. دولت با اجرای سیاست‌های متنوع‌سازی اقتصاد، افزایش پسرانداز، بالا بردن قدرت انعطاف‌پذیری کشور و ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی نقش مهمی در به‌وجود آمدن اقتصاد مقاومتی دارد.

#### مقدمه

اگر در گذشته کشورهای غربی با مداخله آشکار نظامی اهداف خود را در سایر کشورها عملی می‌ساختند، اکنون این عمل را با سیاست‌های تضعیف اقتصاد کشور مورد هدف، دنبال می‌کنند. ایالات متحده سال‌هاست با همراهی برخی کشورها از طریق تحریم‌های اقتصادی به دنبال پیگیری اهداف خود در ایران بوده و در سال‌های اخیر نیز به بهانه برنامه اتمی ایران در پی تنگ‌تر کردن فشار اقتصادی به دور ایران است.

در چنین شرایطی جامعه ایرانی باید علیرغم اینکه در مجامع بین‌المللی رفع تحریم‌ها را پیگیری کند، در داخل نیز شرایط را برای مقابله با تحریم‌های بین‌المللی فراهم سازد. مقام معظم رهبری در بیاناتشان به این نکته اشاره کردند که هرچند امروز ما از تجربه بیشتر، زیرساخت‌های مناسب‌تر و

امید بالاتری برخورداریم ولی در مقابل یک فشار جهانی با عنوان تحریم اقتصادی قرار داریم و به همین دلیل برای اینکه تهدید تحریم را به یک فرصت تاریخی تبدیل کنیم باید اقتصاد کشور را به یک اقتصاد مقاومتی تبدیل کنیم.

اظهار نظر درباره اقتصاد مقاومتی آسان نیست. کلمه‌ای با این نام در هیچ‌کدام از متون اقتصادی مرسوم مشاهده نمی‌شود. هرچند که با مطالعه بیشتر می‌توان به مفاهیمی مشابه (مانند اقتصاد متنوع) رسید و از مفاهیم تقسیم ریسک نیز استفاده کرد. ساده‌ترین تعریف از اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که قادر به مقاومت در برابر تهدیدهای دشمنان باشد. با چنین تعریفی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی انجام اعمال زیر ضروری است:

(الف) شناسایی نقاط ضعف کشور.

(ب) شناسایی ابزارها و شیوه‌های تهاجمی دشمنان.

به‌طور کلی بیگانگان می‌توانند از طریق شیوه‌های زیر به اقتصاد سایر کشورها صدمه بزنند:

(الف) تحریم تجاری یا امتناع از خرید و فروش با کشور مورد نظر.

(ب) تحریم سرمایه‌گذاری یا جلوگیری از سرمایه‌گذاری کشور تحریم شده در کشورهای دیگر

و ممانعت از سرمایه‌گذاری کشورهای دیگر در کشور مذکور.

(ج) سرمایه‌برداری یا توقیف دارایی‌های کشور تحریم شده.

اگرچه تحریم‌ها و محاصره اقتصادی بیشتر به سیاست جهان معاصر مربوط است، اما استفاده از این شیوه در تاریخ سابقه طولانی دارد. شاید اولین مورد مستند، به فرمان مگارین<sup>۱</sup> در عصر یونان باستان بازگردد که در سال ۴۳۲ قبل از میلاد صادر شد (بهروزی‌فر، ۱۳۸۳).

تا سال ۱۹۱۸، تحریم‌های اقتصادی، مکملی برای اقدامات نظامی بود. تنها بعد از جنگ جهانی اول بود که موضوع استفاده از تحریم به‌جای اقدامات نظامی مورد توجه جدی قرار گرفت. یک دوره مهم در تاریخ تحریم‌های اقتصادی، تشکیل جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول می‌باشد. به‌نحوی که کشورهای عضو این سازمان موضوع توسل به سلاح اقتصادی را به‌عنوان سلاحی غیرنظامی برای برقراری صلح در متن میثاق جامعه ملل گنجانده‌اند. درحالی که اعمال تحریم بر علیه کشورهای ضعیفی مانند یونان و یوگسلاوی موفق بود، نتوانست به موفقیت در برابر کشورهای قدرتمندتر ایتالیا و ژاپن بیانجامد. بعد از پایان جنگ جهانی دوم ایالات متحده تبدیل به سردمدار استفاده از تحریم‌های اقتصادی در تعقیب اهداف سیاست خارجی در سراسر جهان شد. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ آمریکا کشورهای کمونیستی و کشورهای که با آنها مناسبات تجاری داشتند را تحریم کرد.



در دهه ۱۹۷۰ حقوق بشر به یکی از اهداف سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد. از اواخر دهه ۱۹۸۰ خطر تروریسم، مواد مخدر و اشاعه تسلیحات کشتار جمعی از دلایل اعمال تحریم بوده است. در کل از ۱۰۳ تحریم اقتصادی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ آمریکا در ۷۹ مورد آن شرکت داشته است. در همین دوره زمانی، انگلستان ۱۳ و شوروی ۱۱ مرتبه به اعمال تحریم مبادرت کرده‌اند (همان).

ایران برای اولین بار به‌طور جدی در زمان نخست‌وزیری مصدق و ملی شدن نفت با تحریم روبرو شد. دولت انگلستان نه تنها مانع از همکاری کارشناسان خارجی در زمینه صنعت نفت با ایران شد، بلکه با تهدید خریداران نفت ایران به شیوه‌های مختلف، در عمل درآمد نفتی ایران را به صفر رسانید.<sup>۱</sup>

محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا از ماه‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده و به تدریج به گونه‌ای تصاعدی افزایش یافت. آثار اقدامات فوق را می‌توان به‌طور خلاصه در کاهش دادن حجم تجارت بین دو کشور (مخصوصاً کالاهای خاص) و بلوکه کردن اموال و دارایی‌های ایران مشاهده کرد. در حال حاضر نیز آمریکا اقدام به عمل بی‌سابقه تحریم بانک مرکزی ایران کرده است.

بحث نبرد اقتصادی بر علیه ایران را نمی‌توان بدون اشاره به سیاست‌های نفتی عربستان سعودی در نظر گرفت. در سال ۱۹۸۵ ملک فهد با دستور افزایش تولید نفت عربستان سعودی به میزان دو برابر اوایل سال ۱۹۸۵ موجبات اشباع بازار و سقوط ناگهانی قیمت نفت را فراهم ساخته بود و هدف سیاسی عمده او از این کار محروم ساختن ایران از درآمد نفت و وادار ساختن این کشور به قبول شرایط صلح با عراق بود، زیرا هزینه صدور نفت ایران با توجه به حملات مداوم هوایی عراق به کشتی‌های نفتکش و پایانه‌های نفتی ایران دو برابر شرایط عادی بود و در صورت کاهش قیمت نفت به کمتر از بشکه‌ای ده دلار ایران توانایی ادامه صدور نفت را نداشت. با این حال سیاست فوق به علت وقوع اختلاف بین عربستان و آمریکا نتوانست مدت زیادی اجرا شود (همان).

تاریخچه فوق نشان می‌دهد که دشمنی اقتصادی برخی کشورها با ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و کشور باید خود را آماده مقابله با سیاست‌های فوق سازد. اقتصاد مقاومتی راهکاری است که در آن با حفاظت از اقتصاد کشور، حفظ آرمان‌ها و استقلال کشور تأمین می‌گردد.

این گزارش می‌کوشد تا ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی یا اقتصادی که در برابر فشارهای اقتصادی ذکر شده در بالا قادر به ایستادگی می‌باشد را بررسی کند.

برای به‌وجود آمدن اقتصاد مقاومتی نیاز به وجود اقتصادی سالم و توسعه‌یافته است.

۱. برای اطلاع بیشتر در این زمینه به طلوعی (۱۳۷۱) مراجعه شود.

به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی در خلأ به دست نمی‌آید، از این رو در متن گزارش از ویژگی‌های اقتصاد توسعه‌یافته که ارتباط بیشتری با اقتصاد مقاومتی دارد نام برده شده است. روند بررسی موضوع اقتصاد مقاومتی در این مطالعه به این صورت است که ابتدا مفهوم اقتصاد مقاومتی مشخص شده و سپس ارتباط اقتصاد مقاومتی با متغیرهای اقتصادی بیان خواهد شد. ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی که در این مطالعه مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از: وضعیت سرمایه‌های کشور، اشکال مختلف متنوع‌سازی اقتصاد، وضعیت بخش‌های دولتی و خصوصی، انتخاب فناوری بهینه، اصول راهنمایی‌کننده اقتصاد اسلامی برای مقاوم‌سازی اقتصاد، وضعیت مصرف و پس‌انداز، نقش مهم ترانزیت، حمل‌ونقل، نفت و برخی دیگر از شاخص‌های وجود اقتصاد مقاومتی. در انتهای گزارش راهکارهای لازم ارائه خواهد شد.

### ۱. تعریف اقتصاد مقاومتی

ساده‌ترین تعریف از اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که به‌نحو کارآیی قادر به مقابله با تهدیدهای دشمنان کشور باشد. همان‌طور که هدف نهایی علم اقتصاد بهبود شرایط زندگی روزمره است، اقتصاد مقاومتی نیز همین راهکار را با فرض وجود اقدامات خصمانه دشمنان پیگیری می‌کند، به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی همان علم اقتصادی است که این بار با فرض ایجاد موانع مختلف توسط دشمنان نظریه‌پردازی کرده و راهکارهای مربوطه را پیشنهاد می‌دهد. به این ترتیب در اقتصاد مقاومتی، محدودیت منابع خود را به طرز جدی‌تری نشان می‌دهد. درحالی که دولت باید همچنان بسیاری از وظایف مهم (و شاید از همه مهمتر حفظ انگیزه مردم برای کار و پس‌انداز کردن) را که در حالت عادی انجام می‌داد، سامان بخشد.

بدون وجود اقتصاد مقاومتی حفظ استقلال کشور بسیار سخت خواهد شد، به‌نحوی که اگر دشمنان بتوانند با استفاده از ابزارهای اقتصادی توانایی اقتصاد کشور را به‌مرور زمان تحلیل‌برند در این حالت بین آحاد مردم و بین مردم و دولت شکاف گسترده‌ای ایجاد خواهد شد که در بلندمدت می‌تواند به تبعات خطرناک منجر شود. در این قسمت از مطالعه به بررسی مفهوم اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم. به این منظور ارتباط اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی مطرح شده و سپس سعی در استخراج مفهوم اقتصاد مقاومتی از مفاهیم متداول و مرسوم اقتصاد خواهیم داشت.



## ۱-۱. اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قواعد اسلامی

اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین سرشار الهی از مفاهیم عمیقی است که مسلمانان در صورت توجه به آن می‌توانند از عقب‌ماندگی نجات یابند. در این راستا برای شناخت صحیح اقتصاد مقاومتی ضروری است تا اول از همه از متون اقتصاد اسلامی استفاده کرد.

**نفی سبیل** قاعده‌ای فقهی است که هرگونه تسلط **کفار** بر **مسلمین** را در هر زمینه‌ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، جایز نمی‌شمارد. بنابراین نفی سبیل را می‌توان قاعده‌ای فقهی که بر ضرورت اقتصاد مقاومتی تأکید دارد برشمرد.

از جمله راه‌های تسلط کفار بر مؤمنین، سلطه اقتصادی است. متأسفانه در حال حاضر سلطه اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان تحقق یافته است و این واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان است. مطابق مستفاد از این آیه، مؤمنان وظیفه دارند، تلاش کنند و خود را از وابستگی‌ها و از جمله وابستگی اقتصادی رهایی دهند.

«برای مقابله با آنان (کفار و مشرکان) آنچه می‌توانید نیرو آماده کنید. (انفال، ۶۰)».

سیاق آیه نشان می‌دهد که درباره جنگ است و طبعاً مهمترین نیرو برای مقابله با دشمن نیروی نظامی است، اما کلمه «من قوه» هر نیرویی را شامل می‌شود، نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌خصوص در جنگ‌های امروز که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ در سرنوشت آن نقش بسزایی دارد. دستور فراهم کردن نیرو برای مقابله با دشمن تا آنجا که دشمن را به هراس افکند، ایجاب می‌کند که مسلمانان قدرتمند باشند تا توانایی لازم برای مقابله با توطئه‌های دشمنان فراهم شود.<sup>۱</sup>

بعضی از قواعد اسلامی که جامعه را در راه رسیدن به چنین هدفی یاری می‌کنند عبارتند از:

**عدم اسراف:** در قرآن کریم در بیش از ۲۵ آیه از عمل اسراف و تبذیر نهی شده است. اسراف در تمامی فعالیت‌های فردی و اجتماعی مصداق دارد. اسراف در فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان به معنای افراط کردن و تجاوز نمودن از یک حد میانه و اعتدال دانست، که در معدودی کردارهای مصرفی و فعالیت‌های تولیدی بروز پیدا می‌کند.

اسراف به معنای بیش از حد مصرف کردن می‌تواند منجر به فاصله گرفتن مصرف از تولید شده و در نتیجه وابستگی به واردات را در پی داشته باشد که منجر به آسیب‌پذیر شدن کشور در برابر بیگانگان شده و با قاعده فقهی نفی سبیل در تضاد است.

حکومت در یک جامعه اسلامی می‌تواند به کاهش مصرف کمک کند. به‌عنوان مثال کمک به

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به پژوهشکده حوزه و دانشگاه (۱۳۷۹) مراجعه شود.

رشد اقتصاد و قیمت‌گذاری کالاها براساس کمیابی آنها که در بازار صورت می‌گیرد و پرهیز از پرداخت یارانه‌های غیرهدفمند از آن جمله است. همچنین کاهش مصرف بخش دولتی و تلاش برای خصوصی‌سازی نیز می‌تواند به کاهش مصرف کمک کند زیرا به طور معمول بخش خصوصی انگیزه بیشتری برای کاهش مصرف دارد.

**نهی از اخلال در نظام:** به معنی نهی هر سیاستی که ارتکاب یا ترک آن موجب مختل گردیدن نظم جامعه شود و همچنین نهی از اتراف به معنای نهی رفتارهای ضداخلاقی و اجتماعی از سوی ثروتمندان نیز می‌تواند در راستای پیاده‌سازی قاعده فقهی نفی سبیل کمک کند.

گروهی از قوانین اسلامی با تأمین امنیت اقتصادی که پیش‌نیاز اصلی رشد و توسعه است، ثروت ملی را حفظ می‌کنند. بعضی از این قوانین عبارتند از:

**عدم ائتلاف:** مطابق این قاعده چنانچه کسی به نحوی مال یا منفعت دیگری را از بین ببرد ضامن آن است.

**لا ضرر:** مطابق این قاعده ضرررسانی به دیگران جایز نیست.

**قاعده سلطنت:** مطابق این قاعده هر کسی در اموال خود حق هر نوع تصرف مشروع را دارد و هیچ‌کس حق ممانعت از آن را ندارد.

گروهی دیگر از قوانین اسلامی هرگونه سختی و مشقت غیرمتعارف را از عرصه اقتصاد حذف می‌کنند. مشهورترین قاعده اسلامی در این زمینه قاعده عسر و حرج است. مطابق قاعده فوق هر حکمی در مرحله اجرا دارای مشقتی که عادتاً غیرقابل تحمل است، باشد، فعلیت نخواهد داشت.

قوانین اسلامی بر اهمیت تولید مولد و جلوگیری از انحراف عوامل تولید از آن تأکید دارند. به‌عنوان مثال نفی قیمتگذاری توسط دولت سودآوری بخش تولید را تضمین می‌کند. پرهیز از احتکار، تبانی بر گران‌فروشی و واسطه‌گری‌های غیرمفید نیز مانع از انحراف عوامل تولید به سمت فعالیت‌های غیرمولد می‌شود.

دولت در جامعه اسلامی با اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب می‌تواند زمینه را برای برقراری قواعد اسلامی فوق فراهم کند.<sup>۱</sup>

در کنار اجرای سیاست‌های اقتصادی، باید توجه ویژه‌ای به اجرای بانکداری اسلامی و حذف ربا که از مهمترین جلوه‌های اقتصاد اسلامی است داشت. استفاده صحیح و گسترده از ابزارها و محصولات جدید پولی و بانکی اسلامی مانند صکوک، استصناع، اعتبار در حساب جاری، اختیار معامله، عاملیت و... می‌تواند با تقویت اقتصاد کشور گام بزرگی در جهت مقاوم‌سازی اقتصاد باشد.

۱. برای اطلاعات بیشتر درخصوص سیاست‌های اجرایی در این زمینه به «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن (ویرایش اول)» صص ۹-۱۱، مراجعه کنید.



## ۲-۱. دلایل نظری اقتصاد مقاومتی (اقتصاد مقاومتی در متون اقتصادی مرسوم)

در متون اقتصادی مرسوم، هیچ اشاره‌ای به اقتصاد مقاومتی نشده است. در دنیای اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک دشمن اقتصادی وجود ندارد، زیرا وقتی کشورها می‌توانند با همکاری و تجارت به نفع بیشتری برسند، چرا باید دست به اقدامات خصمانه بزنند. به هر حال به علت وجود احساسات زیاده‌طلبانه می‌توان انتظار رفتارهای غیرمعارف کلاسیکی و نئوکلاسیکی را داشت. استعمارگران غربی سال‌های سال بی‌توجه به هزینه‌های سنگین، به بسیاری از کشورها حمله کردند و آنها را تحت استثمار درآوردند، این امر درحالی صورت گرفت که بسیاری از اتباع کشورهای غربی هیچ نفعی از این کشورگشایی‌ها نمی‌بردند.<sup>۱</sup> همین ماجرا درحال حاضر به شکل تجاوز آمریکا به عراق و افغانستان و انواع مختلف تحریم‌های اقتصادی این کشور بر علیه سایرین درحال تکرار شدن است.

خوشبختانه نظریه‌های اقتصاد توسعه نگاه واقع‌بینانه‌تری به تنش بین کشورها داشته‌اند. مایکل تودارو در کتاب مشهور توسعه اقتصادیش «تسلط، وابستگی و آسیب‌پذیری در روابط بین‌الملل» را از ویژگی‌های مشترک کشورهای درحال توسعه می‌داند. او در ادامه اضافه می‌کند که توزیع بسیار نابرابر قدرت اقتصادی و سیاسی بین کشورهای ثروتمند و فقیر عامل مهمی در تداوم توسعه‌نیافتگی کشورهای فقیر است. به نظر او کشورهای ثروتمند نه تنها الگوی تجارت بین‌الملل را کنترل می‌کنند، بلکه در پی تحمیل شرایط خود در زمینه انتقال فناوری، کمک‌های خارجی و سرمایه خصوصی به کشورهای درحال توسعه هستند.

نئومارکسیست‌ها کشورهای پیشرفته و صنعتی سرمایه‌داری را مسئول عقب‌ماندگی کشورهای درحال توسعه (چه در گذشته و چه در زمان حال) می‌دانند. اما به نظر آنها نقش منفی کشورهای غربی نه از طریق تحریم‌های اقتصادی، بلکه از طریق وارد ساختن کشورهای درحال توسعه به فرآیند تجارت نابرابری که منجر به خروج گسترده مازاد از کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند شده است، ایفا شده است. راه‌حل الگوی نئومارکسیستی که انقلاب سوسیالیستی را تنها راه توسعه می‌داند، درحال حاضر هیچ‌گونه مقبولیتی ندارد.

ادبیات اقتصاد سنتی هرچند که وجود دشمنان اقتصادی را در نظر نمی‌گیرد، اما وجود خطر در عملیات اقتصادی را پذیرفته و برای آنها راه‌حل‌هایی ارائه می‌دهد که می‌توانند در ساخت اقتصاد مقاومتی به کار آیند. راه‌حل‌های فوق عبارتند از: صرفه‌جویی (کاستن از مصرف و افزایش پس‌انداز)، سوداگری اقتصادی و استفاده از بیمه (انتقال خطر به نهادهایی که توانایی بهتری در مبارزه با خطرات دارند) و متنوع‌سازی شیوه‌های کسب درآمد.

۱. برای اطلاع بیشتر در این زمینه به سوئل (۱۳۸۸) و نارو (۱۳۸۶) مراجعه شود.

به همین ترتیب اقتصاد توسعه با معرفی ویژگی‌های مشترک کشورهای در حال توسعه (سطح پایین بهره‌وری، سطح فزاینده بیکاری آشکار و پنهان، وابستگی شدید به صادرات مواد اولیه و محصولات کشاورزی و...) نقاط ضعف کشور را که می‌تواند باعث بهره‌برداری دشمنان کشور شود را معرفی می‌کند. به این ترتیب با استفاده از مطالب فوق می‌توان اصول اقتصاد مقاومتی (برطرف‌سازی نقاط ضعف کشور) را مورد شناسایی قرار داد.

## ۲. ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی

پس از بررسی مفهوم اقتصاد مقاومتی و روشن ساختن ارتباط آن با اقتصاد اسلامی و مفاهیم اقتصادی، لازم است تا ارتباط اقتصاد مقاومتی با برخی متغیرهای اقتصادی تبیین شود. به این منظور در این بخش از مطالعه ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی از طریق ارتباط آن با مفاهیم اقتصادی مانند متنوع‌سازی اقتصاد، سرمایه اجتماعی، مصرف و پس‌انداز و... بررسی می‌شود.

### ۲-۱. اقتصاد مقاومتی متنوع‌سازی اقتصاد

یکی از ویژگی‌های یک اقتصاد مقاوم، متنوع بودن فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در آن اقتصاد است. متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود تا در صورت وقوع شوک در یکی از بخش‌های اقتصادی، کل فعالیت‌های اقتصاد تحت تأثیر قرار نگیرند.

اقتصاد ایران نیز مانند سایر اقتصادهای صادرکننده محصولات معدنی دارای وابستگی زیادی به بخش صادراتی غالب یعنی نفت است. بخش عمده‌ای از صادرات ایران را صادرات نفت و گاز تشکیل می‌دهد و این موضوع باعث می‌شود که نوسانات در این بخش کل صادرات و همچنین کل درآمدهای ارزی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. به این منظور باید تلاش کرد تا وابستگی اقتصاد به بخش غالب کاهش پیدا کرده و درآمدهای صادراتی تنها متکی به یک بخش نباشند.<sup>۱</sup>

#### ۲-۱-۱. بررسی راهبرد جایگزینی واردات

راهبرد جایگزینی واردات یکی از سیاست‌هایی است که طی دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ به منظور متنوع‌سازی اقتصاد مورد توجه قرار می‌گرفت. با این حال بحران بدهی‌های خارجی در کشورهای آمریکای لاتین که این سیاست را پیروی می‌کردند در مقابل رشد بالای کشورهای آسیای شرقی که استراتژی توسعه صادرات را در دستور کار داشتند، موجب شد تا این استراتژی

۱. به منظور مطالعه بیشتر در خصوص ارتباط میان متنوع‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی به «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن (ویرایش اول)» صص ۱۸-۲۳ رجوع کنید.



از بسته‌های سیاستی اقتصاددانان خارج شود.

اجرای راهبرد جایگزینی واردات حداقل به دو دلیل به صادرات صدمه می‌زند:

**اول**، سیاست‌های حمایتی از صنعت محلی در بازار داخلی حمایت می‌کنند، ولی در بازار خارجی کارساز نیستند. در حقیقت تعرفه‌ها جانبداری شدیدی را در بخش صنعت به نفع فروش در بازار داخلی و علیه فروش در بازار بین‌المللی دربر دارند.

**دوم**، وقتی کشوری به هر عنوانی از خرید محصولات خارجی خودداری می‌کند، خارجیان هم با مقابله به مثل اقدام خواهند کرد.

بخش کشاورزی یا بخش تولیدکننده غذا به نظر عده‌ای از پایه‌های مهم قدرت<sup>۱</sup> کشور می‌باشد. ورنر بائر (۱۹۷۲)<sup>۲</sup> در مطالعه‌ای که به پیامدهای استراتژی جایگزین واردات در کشورهای آمریکای لاتین می‌پردازد عنوان می‌کند که در این کشورها مشاهده شده بخش کشاورزی از استراتژی جایگزینی واردات تأثیر منفی پذیرفته است. یکی از دلایل آن به‌طور ویژه عبارت است از: تغییر جهت سرمایه‌گذاری عمومی از فعالیت‌هایی که پشتیبان کشاورزی هستند (مثل آبیاری، برقرسانی روستایی، ساختن جاده‌های روستا تا بازار) به نفع فعالیت‌هایی صنعتی که باعث افزایش قیمت نسبی نهاده‌های کشاورزی به تولیدات کشاورزی شده و در نتیجه سودآوری در این بخش را کاهش می‌دهد.

در نتیجه در برخی کشورهای درحال توسعه به‌خصوص کشورهای آمریکای لاتین مشاهده شده که یکی از عواقب اعمال سیاست‌های جایگزینی واردات کاهش بهره‌وری بالقوه کشاورزی و اتکای هرچه بیشتر به واردات فرآورده‌های کشاورزی است. تضعیف بخش کشاورزی به‌طور معمول همراه با مهاجرت از روستا به شهر است که منجر به گسترش انفجاری مراکز بزرگ شهری، زاغه‌نشینی و شرایط زندگی سخت برای تعداد زیادی از افراد و بیکاری می‌شود که می‌تواند آثار منفی بر امنیت و مقاومت‌پذیری جامعه داشته باشد.<sup>۳</sup>

درحال حاضر خوش‌بینانه‌ترین دیدگاهی که در مورد راهبرد جایگزینی واردات وجود دارد، این است که این راهبرد در مدتی مشخص و محدود در مورد بخش‌هایی که در آینده قدرت رقابت بین‌المللی را کسب خواهند کرد پیاده شود.

---

۱. دلایل مدافعان کشاورزی به‌شرح زیر است: حمایت از کشاورزی و وجود این فعالیت در سطح بالایی در کشورهای صنعتی، جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهرنشینی، مصرف‌گرایی و بیابان‌زایی. ضمن آنکه کشاورزی می‌تواند با ایجاد ارتباط با سایر بخش‌های اقتصادی به توسعه آنها کمک کند. تأمین امنیت غذایی و حفظ استقلال کشور از دلایل دیگر حمایت از این بخش می‌باشند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به روزبهان (۱۳۷۱) مراجعه شود.

2. Werner Baer, 1972.

۳. برای مطالعه بیشتر در این مورد به سیدشکری (۱۳۷۸) مراجعه کنید.

## ۲-۱-۲. خودکفایی در بخش کشاورزی

رشد و شکوفایی بخش کشاورزی نیز یکی از راهکارهای متنوع‌سازی اقتصاد است. رشد و شکوفایی در بخش کشاورزی با توجه به آنکه این بخش دارای ارتباط زیادی با سایر بخش‌های اقتصاد بوده و صنایع پستین و پیشین زیادی دارد می‌تواند موجب رشد و شکوفایی اقتصاد و متنوع‌سازی اقتصاد شود. با این حال باید توجه داشت که در خصوص بخش کشاورزی باید بین دو مفهوم خودکفایی یا استقلال در بخش کشاورزی و تعادل در تراز تجاری بخش کشاورزی تفاوت قائل شد. کشورها می‌توانند در تولید برخی کالاها در بخش کشاورزی خودکفا بوده و صادرات داشته باشند و در مقابل در برخی دیگر از بخش‌ها کالاهای مورد نیاز را از طریق واردات تأمین کرده و از مزایای تجارت بهره‌مند شوند. با این حال باید توجه داشت که در شرایط تحریم حتی ممکن است کشور به تولید برخی کالاهای کشاورزی که دارای مزیت نیست نیز بپردازد.

نتیجه‌گیری این بخش نشان می‌دهد که لزوم توجه به مزایای تجارت و همچنین کارآیی در بخش‌های مختلف اقتصادی نقش مؤثری در رشد اقتصادی دارد. تجربه کشورها نشان داده است اجرای سیاست‌های جانشینی واردات در برخی موارد نه تنها منجر به متنوع‌سازی نشده، بلکه بخش‌های مذکور را تبدیل به بخش‌های تا ابد وابسته به درآمدهای بخش غالب صادراتی که در ایران نفت است، کرده است. با این حال باید توجه داشت که در یک اقتصاد مقاوم که تحریم‌های خارجی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها در نظر گرفته می‌شود، باید توجه بیشتری به تأمین کالاهای استراتژیک در داخل همراه با بهره‌مندی از مزایای تجارت داشت.

## ۲-۲. سرمایه‌های کشور در اقتصاد مقاومتی

به‌طور کلی سرمایه‌های موجود در هر کشوری را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. سرمایه مادی (اقتصادی) که به‌مثابه دارایی‌های مالی یا زیرساخت‌های مادی تعریف شده است. کل ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی، تأسیسات (راه‌ها، بنادر، کانال‌ها و...) لوازم حمل‌ونقل، ماشین‌آلات، ابزار و تجهیزات و موجودی انبارها جزء سرمایه‌های مادی به حساب می‌آیند.
۲. سرمایه انسانی که به معنی سرمایه‌گذاری برای پرورش نیروی انسانی فرهیخته، سالم و مطلع است و شامل مراقبت‌های خانوادگی پیش‌دبستانی، کارآمدی بعد از پایان تحصیلات مدرسه‌ای، سرمایه‌گذاری در آموزش دانشگاهی و بازار کار از طریق جستجوی شغل و خلاصه کسب انواع مهارت‌ها و توانایی‌هاست. چنانچه این مفهوم را اندکی گسترش دهیم می‌توانیم خلاقیت‌ها، استعدادها، ارزش‌ها، بینش‌ها، گرایش‌ها و سایر کیفیت‌های نیروی انسانی را که به‌گونه‌ای



در پیشرفت جامعه مؤثر است تحت عنوان مفهوم سرمایه‌های انسانی منظور کنیم. تفاوت مهم سرمایه انسانی با سرمایه مادی در عدم فرسایش و استهلاک‌ناپذیری آن است.

۳. سرمایه اجتماعی که می‌توان آن را شبکه‌های همراه با هنجارهای مشترک، ارزش‌ها و اجماع آرا که همکاری بین اعضای گروه را تسهیل می‌کند تعریف کرد. این سه نوع سرمایه تا حد قابل توجهی می‌توانند جانشین یکدیگر در فرآیند حرکت اقتصاد باشند.<sup>۱</sup>

در یک اقتصاد مقاومتی میزان کل سرمایه‌های کشور و همچنین مقدار هر کدام از انواع سرمایه‌ها باید مورد توجه دقیق قرار گیرد. دشمنان خارجی می‌توانند با تحریم یا سایر سیاست‌ها به انباشت سرمایه فیزیکی در یک کشور صدمه وارد کنند. تحریم‌ها در صورت کاهش شدید سطح زندگی در کشور هدف می‌توانند به دو صورت به سرمایه اجتماعی آسیب وارد کنند:

۱. با بدتر شدن وضعیت اقتصادی مردم آن چنان در مسائل اقتصادی‌شان مشغول می‌شوند که دیگر توجهی به کمک و همکاری با یکدیگر نخواهند داشت.

۲. مردم سیاست‌های نادرست دولت را مسبب وضعیت موجود بدانند که اعتمادشان به دولت کاهش یابد.

راهکارهایی که دولت در یک اقتصاد مقاومتی برای مبارزه با وضعیت فوق در پیش دارد شامل این موارد می‌شود:

۱. جلوگیری از اثرگذاری اقدامات دشمنان کشور بر سرمایه‌های فیزیکی کشور. این امر می‌تواند در درجه اول معطوف به حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران باشد. بدین ترتیب دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح و تبلیغ ندای حقلطلبانه کشور حداقل مانع از پیوستن سایر کشورها به اجماع دشمنان ایران شود و در حالت‌های بهتر از سرمایه‌های این کشورها استفاده کند.<sup>۲</sup>

۲. مرحله دوم از اقدامات دولت باید در راستای کاهش اثرات سیاست‌های خارجی سایر کشورها بر سرمایه‌های کشور باشد. متنوع‌سازی سرمایه‌های کشور و جایگزینی سرمایه‌های مادی خارجی با انواع سرمایه‌های داخلی (اعم از فیزیکی، انسانی یا اجتماعی) از سیاست‌های مؤثر در این زمینه هستند. درحالی که متنوع‌سازی اقتصاد از تأثیر تحریم در زمینه ورود سرمایه

---

۱. شاید ساده‌ترین مثال در این مورد مربوط به یک باشگاه فوتبال باشد که مالک یک ورزشگاه (سرمایه فیزیکی)، دارای مربی و بازیکنان (سرمایه انسانی) با روحیه بالای همکاری (سرمایه اجتماعی) می‌باشد. در شرایط کاهش غیرمنتظره در هر کدام از این سرمایه‌ها مالک باشگاه با مدیریت صحیح می‌تواند انواع دیگر سرمایه را جایگزین سازد.

۲. توجه به مثال زیر می‌تواند در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران آموزنده باشد. علیرغم صرف هزینه بسیار زیاد ایران برای مبارزه با مواد مخدر نگاه بین‌المللی چندان مثبتی در این زمینه وجود ندارد، به‌نحوی که در تعدادی از مقالات خارجی ایران هم‌ردیف افغانستان و پاکستان در زمینه مواد مخدر (کشورهای هلال طلایی) به حساب آمده است. شاید یکی از دلایل این پدیده اغراض سیاسی بعضی از بیگانگان در مورد ایران باشد، اما به نظر می‌رسد ایران به‌نحو شایسته‌ای مواضع بر حقش را مطرح نکرده است.

می‌کاهد، افزایش سرمایه فیزیکی داخلی می‌تواند نقش جایگزینی برای سرمایه خارجی بازی کند.

### ۳-۲. دولت و بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی

عده‌ای از اقتصاددانان موارد دخالت دولت در اقتصاد را منحصر به موارد توزیعی، تثبیتی و کارآیی می‌دانند. به هر حال احتمالاً هیچ دولتی در جهان وظایف خود را منحصر به این موارد ندانسته است. شاید مهمترین وظیفه دولت در اقتصاد مقاومتی در اجتناب از وابستگی اقتصاد به یک کشور (خواه دوست یا دشمن) یا یک محصول در زمینه تجاری (اعم از صادرات یا واردات) یا سرمایه‌گذاری باشد. در این راستا دولت با اقدام به متنوع‌سازی سرمایه‌های کشور آثار سوء اقدامات دشمنان کشور را به حداقل می‌رساند. فراهم کردن شرکای تجاری و راه‌های ارتباطی متعدد و متنوع برای محصولات کشور به همراه ایجاد ذخایر کالایی استراتژیک، متنوع‌سازی ذخایر کشور به شکل انواع ارزهای خارجی، فلزات گرانبها، اوراق بهادار و انواع سپرده‌گذاری در بانک‌های کشورهای مختلف<sup>۱</sup> از سیاست‌هایی هستند که دولت می‌تواند انجام دهد.

دولت می‌تواند شرایط رقابت آزاد را در اقتصاد فراهم سازد. این امر می‌تواند شامل ایجاد آزادی ورود و خروج به بازار، اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی که منجر به تأثیرگذاری بر تمام عوامل اقتصادی است به جای سیاست‌های تبعیض‌آمیز که تنها گروه‌های خاصی را مورد هدف قرار می‌دهد، حذف نرخ‌های دوگانه که زمینه فساد را فراهم می‌کند و در مجموع بهبود شاخص‌های فضای کسب‌وکار باشد. اجرای چنین راهکارهایی به کارآمدی، یکپارچگی (عدم تکروری) سازمان‌های دولتی و کارمندی سالم و لایق بستگی دارد. تصمیم‌گیری سریع و انعطاف‌پذیری مقامات مسئول در مواقع ضروری از نکات مهم است. چنانچه مدیران دولتی شهامت قبول خطر و مسئولیت‌های بزرگ را نداشته باشند تغییرات و تحولات لازم به ندرت انجام خواهد گرفت.

چنانچه خواهیم به‌صورت فهرست‌وار سیاست‌های دولتی را برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی ذکر کنیم، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. **پیش‌بینی سیاست‌های رقیب:** مهمترین جزء در اجرای هر سیاستی، در نظر گرفتن عناصر پیش‌بینی و پیشگیری در ارتباط با سیاست‌های خصمانه دشمنان است، وظیفه‌ای که دولت بهتر از بخش خصوصی می‌تواند آن را انجام دهد. در این راستا دولت باید مانند شطرنج‌باز ورزیده حرکات دشمنان کشور را تا چندین مرحله پیش‌بینی کرده و خود را آماده مبارزه با آن سیاست‌ها سازد.

۱. سپرده‌گذاری در بانک‌های خارجی باید با دقت بسیار بالایی صورت پذیرد. اولاً باید از سرمایه‌گذاری در بانک‌های غربی و متحدین نزدیک آنها اجتناب کرد، زیرا امکان توقیف پول کشور بسیار بالاست. ثانیاً سپرده‌گذاری باید در بانک‌های خارجی صورت پذیرد که با ایران رابطه بسیار نزدیکی داشته باشند، به‌نحوی که توقیف پول ایران برای آنها بسیار پرهزینه باشد. ثالثاً چنانچه خطر تحریم‌های الزام‌آوری مانند تحریم‌های سازمان ملل وجود داشته باشد، باید به کل از سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی اجتناب کرد.



۲. جلوگیری از وضع تحریم‌های جدید، پیوستن کشورهای تازه به تحریم‌ها، گسترش دامنه تحریم‌ها، کاستن از سرعت، قاطعیت و ظرفیت تحریم‌ها: به همین ترتیب باید سیاست‌های مقتضی برای تضعیف و حذف تحریم‌های موجود اجرا شود. در این زمینه قاعده زنجیر (قدرت یک زنجیر بستگی به توان ضعیف‌ترین حلقه آن دارد) برای مبارزه با تحریم‌ها می‌تواند اجرا شود. به این ترتیب که با انجام مذاکرات آشکار و مخفیانه با ضعیف‌ترین کشورهای تحریم‌کننده (مانند یونان، اسپانیا و پرتغال) یا پیدا کردن نقاط ضعف در قوانین تحریم منافع ملی تأمین گردد.

۳. اتخاذ سیاست‌های مقتضی به منظور افزایش هزینه تحریم برای تحریم‌کنندگان: این امر می‌تواند شامل اجرای سیاست‌های مقابله به مثل در برابر تحریم‌کنندگان باشد. به‌عنوان مثال با توجه به موقعیت خاص ایران در تنگه هرمز می‌توان در برابر بازرسی کشتی‌های ایرانی اعمال تلافی جویانه را انجام داد یا با استفاده از قوانین بین‌المللی کشور بازرسی‌کننده را در صورتی که موفق به کشف کالای ممنوعه نشده، مجبور به پرداخت غرامت کرد.

۴. دور زدن تحریم‌ها: مهمترین قاعده موجود در هر بازاری قاعده کسب سود است، به این ترتیب وقتی که عرضه و تقاضا برای کالایی موجود باشد مبادله هم صورت خواهد گرفت و تنها اثر تحریم بالا بردن هزینه مبادله می‌باشد. ساده‌ترین راهکار دور زدن تحریم در حالتی که فرد یا شرکتی مورد تحریم قرار می‌گیرد، عوض کردن نام و نشانی نهاد تحریم شده است. به همین ترتیب می‌توان از واسطه‌های خارجی نیز برای انتقال کالا و فناوری پیشرفته تحریمی استفاده کرد. عملیات فوق به‌شرطی برای کشور سودمند است که اقتصاد ایران توانایی جذب فناوری خریداری شده را داشته باشد. فرآیند فوق با کمی تغییر در مورد فروش نفت نیز صدق می‌کند. نفتکش‌های ایرانی می‌توانند از پرچم کشورهای کوچک استفاده کنند، نفت را می‌توان در کشورهای دیگر ذخیره کرد و سپس با نام آن کشورها فروخت، نفت را می‌توان به‌طور پایاپای فروخت و یا برحسب پول کشور خریدار نفت، دریافت کرد. رشد بخش خصوصی می‌تواند تا حدود زیادی در دور زدن تحریم‌ها مؤثر باشد، زیرا تحریم‌ها به‌طور معمول دولت را هدف می‌گیرند و شرکت‌های خصوصی همچنان می‌توانند از مزایای تجارت برخوردار باشند. به‌عنوان مثال درحال حاضر صرافی‌های بخش خصوصی نقش مهمی را در انتقال ارز مورد نیاز برای تجارت بخش خصوصی ایفا کردند.

اشکال روش‌های فوق تحمیل هزینه‌های واسطه‌گری به اقتصاد کشور است و هر قدر تحریم‌ها بر علیه ایران سخت‌تر شود، هزینه‌های پرداختی به واسطه‌ها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین جلوگیری از تصویب تحریم‌های جدید ضمن حفظ منافع ملی، عملی حیاتی برای رسیدن کارآمد به اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

۵. وضع تحریم‌ها: تحریم می‌تواند تا حدودی درآمد ارزی کشور را کاهش دهد. برای مقابله با

وضعیت فوق کشور راهکارهای زیر را پیش رو دارد:

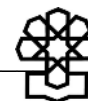
الف) افزایش درآمدهای ارزی از طریق افزایش صادرات (استراتژی توسعه صادرات) به همراه یافتن شرکای تجاری و راه‌های ارتباطی جدید اعم از دریایی، زمینی و هوایی.

ب) حفظ و صرفه‌جویی درآمدهای ارزی از طریق محدودسازی واردات.

تجربه کشورهای جهان نشان داده است که راهکار (الف) نسبت به (ب) نتایج بهتری را به همراه دارد. در این زمینه دولت می‌تواند با ایجاد امکانات و انگیزه برای صادرات (سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد زیربنای، تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و...)، تأمین و کاهش هزینه‌های تولید و صدور کالاهای صادراتی (اعطای اعتبارات و وام‌های ارزی به صادرکنندگان، معافیت واردات ماشین‌آلات مربوط به تولید، استخراج، اصلاح، تبدیل و... از پرداخت عوارض گمرکی، ایجاد ناوگان ارزان حمل‌ونقل دولتی، تقبل هزینه‌های بازاریابی کالاهای صادراتی توسط دولت و...) افزایش قابلیت رقابت بین‌الملل (شناخت دقیق بازارهای صادراتی، تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی، تسهیلات برای ورود و خروج آسان و ارزان بازرگانان و...) و ایجاد محیط امن برای فعالیتهای صادراتی (کاهش تعداد مراکز تصمیم‌گیری در زمینه صادرات، ایجاد بازار سلف ارز، برقراری ثبات نسبی در سیاست‌های صادراتی و...) صادرات را تشویق کند. ضمن آنکه تعیین نرخ ارز براساس کمیابی آن تا حد زیادی راهکارهای (الف) و (ب) را تحقق می‌بخشد.

۶. **سیاست مالی کارآ و انضباط پولی:** سیاست مالی دولت باید بر مبنای حفظ اقتصاد از نوسانات درآمدی بخش نفت، جلوگیری از ورود درآمدهای نفتی به کشور در دوران رونق و فراهم ساختن رشد بخش خصوصی باشد. در این راستا دولت باید یارانه‌ها را کاهش داده و هدفمند کند، نظام مالیاتی بهبود یابد، مخارج جاری دولت کاهش یابد و مخارج عمرانی دولت به سمت تشکیل سرمایه‌های فیزیکی و انسانی که در شرایط تحریم برای اقتصاد مفید هستند، هدایت شود. سیاست مالی باید در یک دوره زمانی میان‌مدت با فرض درآمدهای محتاطانه نفتی تنظیم شود. چنین سیاستی اتکای هزینه‌های دولت را بر درآمدهای کوتاه‌مدت نفتی کاهش می‌دهد و درآمد ذخیره‌ای را برای مقابله با نوسانات به وجود می‌آورد. در چنین فضایی کسری بودجه دولت باید روندی نزولی داشته باشد. برای رسیدن به چنین هدفی دولت باید اصلاحات ساختاری را به منظور خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی که منجر به کاهش هزینه‌ها و افزایش سطح رقابت می‌شود، انجام دهد. جنبه مثبت سیاست‌های فوق در این است که منجر به رعایت انضباط در اجرای سیاست پولی خواهد شد، بنابراین نرخ تورم نیز مانند گذشته افزایش نخواهد یافت.

۷. **توافقات تجاری:** از آنجا که تحریم هزینه‌های تجارت را افزایش می‌دهد، راهکار خنثی کردن آن، اصلاحات مربوطه در گمرک و کاهش هزینه‌ها و زمان و فرآیند تجارت توسط دولت می‌باشد.



به علاوه دولت با انجام مذاکرات لازم با کشورهای همسایه در توافقات تجاری ناحیه‌ای و یکسان کردن استانداردها بین کشورها اجازه تحرک بیشتر نیروی کار و سرمایه را خواهد داد.

۸. آگاه‌سازی جامعه: از نظر فرهنگی دولت و سایر جناح‌های اقتصادی باید از هر عملی که انتظارات مردم را فراتر از توان واقعی کشور قرار می‌دهد اجتناب کنند. مردم باید بدانند که رسیدن به همه چیز در کوتاه‌مدت و برطرف‌سازی کلیه نیازها غیرممکن است. کلیه تصمیم‌گیری‌های دولتی باید با رعایت اصول تدریج، تناسب و در نظر گرفتن امکانات انجام شود. ساختن اقتصاد مقاومتی، طرحی ضربتی نیست و ره چند ساله را یک شبه نمی‌توان پیمود.

برای ساخت اقتصاد مقاومتی کارآ باید از کلیه منابع کشور و به‌خصوص نیروی کار و بخش خصوصی کشور استفاده صحیح کرد. اقتصادی که بخشی از مردم آن بیکار (اعم از آشکار یا پنهان) و شاغلان آن با بهره‌وری ناچیز مشغول به‌کار باشند، مانند ارتشی است که قسمت مهمی از سپاهیان‌ش هیچ اسلحه‌ای ندارند و یا با سلاح‌های بسیار ضعیفی در برابر دشمن ایستاده‌اند.

افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد می‌تواند مشکل را تا حد قابل توجهی کاهش دهد، هرچند که می‌تواند با خود مشکلات جدیدی را به همراه آورد. انگیزه بخش خصوصی برای فعالیت در کلیه نقاط در بلندمدت کسب سود بوده است (هرچند می‌توان انتظار فعالیت بخش خصوصی در جنبه‌های غیرانتفاعی را داشت) که می‌تواند باعث افزایش کارآیی در اقتصاد گردد، اما شاید در بعضی از قسمت‌های اقتصاد فعالیت‌های سودجویانه بخش خصوصی مطابق با منافع جامعه نباشد، به همین ترتیب نمی‌توان انتظار رفتار بهینه‌ای از بخش خصوصی در تولید کالاهای عمومی و مدیریت پیامدهای خارجی داشت. وجود رانته‌های متعدد نیز می‌تواند فعالیت‌های بخش خصوصی را منحرف سازد. ضمن آنکه در پاره‌ای از موارد شکل‌گیری انحصار و نابرابر شدن توزیع درآمد از اشکالات افزایش سهم بخش خصوصی می‌باشد.

با توجه به نکات ذکر شده می‌توان به دامنه فعالیت‌های بهینه دولت و بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی رسید. با فرض وجود دشمنان اقتصادی، دولت در رأس مبارزه با اقدامات فوق‌تر قرار می‌گیرد، به این ترتیب که با انجام اعمال سنجیده در سطح بین‌المللی تا حد امکان از وضع تحریم‌های جدید جلوگیری کرده و می‌کوشد تا تحریم‌های قدیمی را بی‌اثر سازد. در فرآیند دور زدن تحریم‌ها و متنوع‌سازی اقتصاد، دولت و بخش خصوصی می‌توانند با هم فعالیت کنند. در گام بعد دولت باید با انجام فعالیت‌های مقتضی، جذابیت توسعه صادرات (یا متنوع‌سازی صادرات) را برای ورود بخش خصوصی افزایش دهد. در مراحل بعد بخش خصوصی کارآ و کارآفرین متنوع‌سازی اقتصاد را انجام خواهد داد، درحالی که دولت با نظارت صحیح مانع از شکل‌گیری انحصار و ثروت‌های بادآورده خواهد شد.

## ۲-۴. فناوری در اقتصاد مقاومتی

فناوری شامل مهارت‌ها، دانش و روش ساخت، استفاده و انجام دادن کارهای مفید است. با این تعریف، فناوری، هر دو بخش «فناوری فرآیند» (چگونگی ساخت یک کالا) و «فناوری فرآورده» (ماهیت و مشخصات آنچه تولید می‌شود) را دربر می‌گیرد، همچنین شامل مهارت‌های مدیریتی، سازمانی، مالی و بازاریابی انتقال‌یافته از طریق مجاری مختلف، از جمله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و عملیات غیرسهامی شرکت‌های فراملیتی و برنامه‌های آموزش فنی را شامل می‌شود (کلمن و نیکسون،<sup>۱</sup> ۱۳۷۸).

بسیاری معتقدند که می‌توان با فرا گرفتن روش‌های تکنیکی و فنی نوین از کشورهای پیشرفته به توسعه رسید. به هر حال واقعیت موجود در جهان امروز کاملاً متفاوت است. حتی اگر بحث اقتصاد مقاومتی و تحریم‌های رسمی فروش فناوری مطرح نباشد، عدم صدور فناوری‌های مدرن از سوی کشورهای پیشرفته، صدور فناوری‌های کهنه و از مد افتاده، نبودن امکانات لازم جهت بهره‌گیری از فناوری‌های وارداتی و ده‌ها مسئله دیگر ایده فوق را رد می‌کند.

به‌طور کلی روش‌های انتقال فناوری به داخل کشور عبارتند از:

۱. استفاده از کتاب و وسایل اطلاعاتی چاپ و منتشر شده.

۲. آموزش نیروی کار در خارج از کشور.

۳. تماس‌های شخصی از طریق مسافرت، گردهمایی و ...

۴. مبادله اطلاعات و کارکنان از طریق برنامه‌های همکاری.

۵. استخدام کارشناس خارجی.

۶. وارد کردن محصولات واسطه‌ای یا ماشین‌آلات.

۷. مهندسی معکوس.

۸. تملک سهام.

۹. انتقال از طریق حق امتیاز یا لایسانس.

۱۰. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

اثرپذیری این راهکارها از تحریم‌های اقتصادی به اندازه و شدت تحریم‌ها بستگی دارد.

در شرایط تحریم اقتصادی واردات فناوری از طریق راهکارهای (۸) تا (۱۰) بیشتر از سایر شیوه‌ها صدمه می‌بیند، هرچند که راه‌های فوق به‌طور کامل بسته نمی‌شود و می‌توان از امکانات سایر کشورها استفاده نمود. همین نکته در مورد راهکارهای (۲) تا (۵) صدق می‌کند. راهکار (۱) در



مقایسه با سایر شیوه‌ها کمترین اثر را از هرگونه تحریمی می‌پذیرد و شایسته است توجه ویژه‌ای به آن در فرآیند طراحی اقتصاد مقاومتی شود. شیوه‌های (۶) و (۷) در بدترین حالت از طریق دور زدن تحریم‌ها قابل استفاده هستند.

راه‌حلی که توسط بعضی از کارشناسان پیشنهاد می‌شود، تقلید بجا، به‌موقع و عاقلانه از روش‌های فنی کشورهای پیشرفته است. روشی که آلمان، ژاپن و روسیه در ابتدای مسیر توسعه خود با موفقیت پیمودند. تقلید فناوری باعث انتقاد، تمسخر و نارضایتی کشورهای پیشرفته می‌شود، اما این موارد نباید کشورهای درحال توسعه را دلسرد کند. آنها باید بی‌پروا علوم و فنون جدید کشورهای توسعه‌یافته را به خدمت گیرند و برای پیشرفت خود به‌کار بندند. در این زمینه می‌توان به مطالب زیر توجه کرد:

- رجحان فناوری‌هایی که با نهاده‌های داخلی سازگارترند (به‌عنوان مثال کاربر، انرژی‌بر).
- رجحان تولید کالاهای ضروری نسبت به تولید کالاهای لوکس و کم‌مصرف.
- رجحان فناوری‌هایی که می‌توانند به کشور در کسب مزیت نسبی کمک کنند. مشورت با صاحبان صنایع صادرکننده در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

در مجموع می‌توان گفت که در مسیر رسیدن فناوری سه راه در پیش خواهد بود:

۱. شروع از صفر با اختراع، ابداع و نوآوری (که کاری است غیرممکن و غیرعقلایی).
۲. بهره‌گیری از فرآیند صدور فناوری کشورهای پیشرفته به کشورهای درحال توسعه از طریق همکاری‌های بین‌المللی. مشکلات متعددی برای طی این مسیر وجود دارد. حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که کشورهای پیشرفته به آسانی فناوری نوین را در اختیار سایر کشورها قرار می‌دهند، چالش‌های دیگری خود را نشان می‌دهند. فناوری مدرن مختص شرایط کشورهای پیشرفته است. این فناوری‌ها سرمایه‌بر هستند و اغلب برای عملیات به مقیاس بزرگ طراحی شده‌اند. استفاده از این فناوری‌ها مستلزم به‌کارگیری مهارت‌های خاصی می‌باشد که عموماً در کشور درحال توسعه وجود ندارد. در این حالت کشور محتاج ورود تکنسین‌های خارجی می‌باشد که با خود مسائل جدیدی را به همراه می‌آورند و از همین رو است که لزوم سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی اهمیت بیش از پیش می‌یابد.

سیاست خرید فناوری باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که از وابستگی اقتصاد به یک کشور یا یک نوع فناوری خاص اجتناب شود. به این ترتیب که یا اقدام به خرید فناوری قدیمی کند (دامنه انتخاب خود را منحصر به فناوری جدید نکند) یا فروشندگان جدیدی برای کسب فناوری پیدا کند (خود را منحصر به خرید از چند کشور نکند).

راهکارهای فوق علاوه‌بر بالا بردن قدرت انعطاف‌پذیری کشور نکات مثبت دیگری نیز دارند.

به‌عنوان مثال کشورهای غربی سختگیری کمتری در زمینه صدور فناوری قدیمی دارند.<sup>۱</sup>

۳. تقلید از فناوری کشورهای پیشرفته: در این زمینه باید توجه داشت که تا زمانی که فشارهای رقابتی وجود نداشته باشد، انگیزه اقتصادی و سازگار کردن فناوری با شرایط محلی ضعیف خواهد بود. برطرف کردن نقاط ضعف آموزش‌های دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی دولتی از ضروریات خواهد بود.<sup>۱</sup>

## ۲-۵. مصرف و پس‌انداز در اقتصاد مقاومتی

تخصیص منابع بین مصرف حال و آینده (پس‌انداز) یکی از بنیانی‌ترین انتخاب‌های اقتصادی است. این انتخاب نه تنها بر میزان رشد اقتصادی یک کشور بلکه همچنین بر سطوح زندگی نسل‌های بعدی هم که هنوز متولد نشده‌اند تأثیر می‌گذارد (گیلیس و دیگران، ۱۳۸۵).

اقتصاد بر سه پایه اصلی تولید، توزیع و مصرف استوار است، ولی در حقیقت تولید و توزیع وسایلی برای تأمین مصرف می‌باشند و هدف نهایی همه تلاش‌ها و کوشش‌های اقتصادی افراد مصرف است. الگوی مصرف در اقتصاد کلان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، از یک‌سو به این دلیل که مخارج مصرفی در درآمد ملی دارای سهم بزرگی است و از سوی دیگر آن بخش از درآمد ملی که مصرف نمی‌شود، سرانجام پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خواهد شد و می‌تواند بر متغیرهای دیگری مانند تورم، واردات و... اثرگذار باشد.

### ۱-۵-۲. پس‌انداز

یکی از راهکارهایی که یک عامل اقتصادی (اعم از یک فرد یا کلیت اقتصاد یک کشور) برای مواجهه با خطرات در پیش دارد، پس‌انداز یا اجتناب از مصرف بی‌رویه است. البته برای اینکه پس‌اندازها کاملاً برای کشور مفید باشند، لازم است تا توسط واسطه‌های مالی به سرمایه‌گذاری تبدیل شوند. بانک‌ها در این میان با بسیج پس‌اندازها، تسهیل جریان‌ات پرداخت، تخصیص اعتبارات و حفظ نظم مالی استقراض‌کننده نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند.

در ایران، نرخ سود بانکی برای سال‌ها به‌طور دستوری و پایین‌تر از مقدار تعادلی بازار و نرخ تورم مشخص شده است. بدیهی است در چنین شرایطی انگیزه برای پس‌انداز کاهش می‌یابد، فقط کسانی که نرخ ترجیح زمانی صفر یا منفی دارند یا کسانی که به هر قیمت می‌خواهند برای مصرف آینده پس‌انداز کنند، در بانک‌ها سپرده می‌گذارند. از طرف دیگر بین سود دریافتی از متقاضیان وام و نرخ بهره در بازار آزاد تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد و باعث پدیدار شدن رانت و گسترش

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به گیلیس و دیگران (۱۳۸۵) و جیروند (۱۳۷۵) مراجعه کنید.



قابل توجه فساد و درآمدهای بادآورده شده است. در چنین حالتی رانت‌جویان فرصتی برای فعالیت‌های اقتصادی تولیدی نمی‌گذارند. برای برطرف‌سازی مشکلات فوق باید آزادسازی نرخ سود به تدریج انجام گیرد.

بازار بورس از نهادهای مهمی است که در کنار نظام بانکی می‌تواند آثار مهمی در اقتصاد داشته باشد. نهاد فوق می‌تواند با ایجاد شرایط رقابتی در اقتصاد منجر به تخصیص بهینه منابع شود. ایجاد این بازار از سوی دیگر موجب کاهش جذابیت اقتصاد زیرزمینی شده سرمایه‌ها را به طرف بخش‌های تولیدی هدایت می‌کند. شرکت‌ها نیز جهت پذیرش و عرضه سهام در بورس به رقابت با یکدیگر پرداخته که این امر موجب بهبود ساختار آنها می‌گردد، از سوی دیگر چون شرکت‌هایی که بازده بالا دارند از رشد ارزش سهام خود استفاده می‌کنند، صنایع فاقد مزیت آشکار خواهند شد. بورس می‌تواند مالکیت را از حالت سنتی خارج کرده و گسترش مالکیت را به همراه داشته باشد که به کاهش اختلاف درآمدهای خواهد انجامید. علاوه بر همه موارد فوق، بازار بورس می‌تواند فرصت‌های سرمایه‌گذاری را برای پس‌اندازکنندگان افزایش دهد، معضل کمبود سرمایه را برای شرکت‌ها حل کند و درجه ریسک‌پذیری افراد را افزایش دهد (سیدشکری، ۱۳۸۳ ج). در حال حاضر فقدان بعضی از نهادهای مهم در بورس کشور مانع از کارکرد بهتر این سازمان شده است. بعضی از این نهادها عبارتند از:

**- بانک‌های سرمایه‌گذاری:** بانک فوق برخلاف نامش نه سرمایه‌گذار است و نه بانکدار، بلکه واسطه‌ای بین ناشر اوراق بهادار و سرمایه‌گذار خریدار اوراق است. مانند هر واسطه دیگری بانک سرمایه‌گذاری مشکل تأمین سریع نقدینگی و بی‌اطلاعی بازاریابی سهام تولیدکننده را حل می‌کند.<sup>۱</sup>

**- شرکت‌های رتبه‌بندی اوراق بهادار:** این شرکت‌ها اوراق بهاداری را که به تازگی منتشر شده است از نظر ریسک و بازده و میزان سودآوری رتبه‌بندی می‌کنند و اطلاعاتی از اوضاع مالی شرکت‌ها را در جراید مالی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند. به این ترتیب عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذار و ناشر کاهش می‌یابد.<sup>۲</sup>

اجرای نکات فوق می‌تواند تا حد قابل توجهی مشکل نوسانات در بازار بورس را حل کند، با این حال بازار فوق حساسیت شدیدی به مسائل بین‌المللی دارد که می‌تواند در شرایط حساس، کشور را در تنگنا قرار دهد.

---

۱. با این حال باید توجه داشت که ورود ابزارهای مالی جدید به بازارهای ایران نیازمند تدوین قوانین و مقررات ویژه آنها و تطابق این قوانین با قانون بانکداری بدون ربا و سایر مقررات اسلامی است. ورود این ابزارها به بازارهای مالی ایران بدون مشخص ساختن ارتباط آنها با عقود اسلامی و تعیین سازوکار تعیین نرخ سود آنها، کارآیی چندانی نخواهد داشت.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به مجتهد و حسن‌زاده (۱۳۸۷) و فقهی (۱۳۸۶) مراجعه شود.

یکی از نهادهای مالی مهم که نقش مهمی در انباشت سرمایه و تأمین امنیت برای مردم دارد صنعت بیمه است. صنعت بیمه ماهیتاً به منظور رویارویی با خطرات و کاستن از پیامدهای حوادث غیرمترقبه ایجاد شده است، با این حال صنعت بیمه با وجود داشتن سابقه ۷۰ ساله فعالیت در ایران هنوز از جایگاه عمومی مناسبی برخوردار نبوده و نه تنها بسیاری از خدمات متنوع بیمه‌ای رایج در دنیای امروز در کشور ما عرضه نمی‌شود، بلکه همین خدمات محدود فعلی نیز نزد قشر وسیعی از جامعه ناشناخته است. طی ۷۰ سالگی که از عمر صنعت بیمه در ایران می‌گذرد، اگر خدمات بیمه‌ای متناسب با کارکردهای تعریف شده برای بیمه فعالیت می‌کرد، تا حدود زیادی می‌توانست از پیامد شوک‌های وارده به اقتصاد در شرایط تحریم جلوگیری کند.

به‌عنوان مثال بیمه صادرات و کالاهای صادراتی و یا بیمه ارزی و پوشش نوسانات نرخ ارز، می‌توانست تأثیر زیادی در کاهش آثار تحریم بر صادرکنندگان داشته باشد. درحالی که درحال حاضر یکی از تحریم‌های وارده به اقتصاد ایران عدم بیمه محموله‌های صادراتی ایران و به‌خصوص نفتکش‌های ایرانی است، تقویت صنعت بیمه در کشور و ایجاد بیمه‌هایی که دارای مقبولیت بین‌المللی باشند، می‌توانست در این شرایط مؤثر باشد.

در هر صورت باید عنوان داشت که صنعت بیمه به‌طور کلی و ذاتی هماهنگی زیادی با یک اقتصاد مقاوم داشته و برای مقاوم‌سازی اقتصاد ایجاد شده است. در صورتی که این صنعت متناسب با آنچه برای آن تعریف شده به فعالیت بپردازد، می‌تواند تا حدود زیادی در کاهش تأثیر شوک‌ها و نوسانات وارده به اقتصاد مؤثر باشد.

در مجموع آنچه درخصوص موضوع پس‌انداز مطرح شد، ما را به این جمع‌بندی می‌رساند که وجود ابزارهای مالی کارآ و نوین در یک اقتصاد مانند بانک، بورس و بیمه باعث هدایت پس‌اندازها به تولید شده و از طرف دیگر اقتصاد را برای دوران رکود و کمبود منابع تجهیز می‌کند. به همین جهت در راستای حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی باید شرایط را برای فعالیت این نهادهای مالی فراهم کرد و تلاش کرد تا از این طریق و با استفاده از جذابیت‌های ایجاد شده توسط این نهادها، پس‌اندازهای جامعه به طریقی هدفمند هدایت شوند.

## ۲-۵-۲. مصرف

مصرف در طرف مقابل پس‌انداز قرار داشته و ارتباط متقابلی بین مصرف و پس‌انداز وجود دارد. اجرای سیاست‌هایی به‌منظور کاهش دادن مصرف منجر به افزایش پس‌انداز شده و در نتیجه توان مقاومتی اقتصاد را در شرایط رکود و تحریم افزایش می‌دهد. برخی از کارشناسان افزایش قیمت‌ها را راه اصلی مبارزه با مصرف بی‌رویه می‌دانند. به هر حال باید دانست که تنها افزایش قیمت‌ها



الزاماً همیشه بهترین راه حل نیست. محدودیت‌هایی که در این زمینه وجود دارند عبارت است از:  
- هنگامی که دولت خود مصرف‌کننده بزرگ بعضی از کالاها مثل بنزین یا برق است، افزایش قیمت، مصرف کالا را به میزان مهمی کاهش نمی‌دهد، زیرا مصرف بخش دولتی حساسیت چندانی به قیمت ندارد.

- وجود مشکلات ساختاری که مانع از انعطاف‌پذیری تقاضای بعضی کالاها حتی برای بخش خصوصی می‌شود. به عنوان مثال در دسترس نبودن خودروهای کم‌مصرف برای بسیاری از مردم، اجبار مردم برای خروج از خانه برای انجام برخی امور غیرضروری (به علت ضعف زیرساخت‌های ارتباطی مانند خطوط تلفن و اینترنت و اشکالات نظام اداری)، طولانی بودن مسافت مسافرت کاری در شهر (به علت توزیع به شدت نابرابر امکانات شهری)، ضعف شدید امکانات حمل و نقل عمومی همگی باعث کم‌کششی تقاضای بنزین خواهند شد.

### ۳-۵-۲. راهکارهایی برای کاهش مصرف و افزایش کارایی

همان‌طور که اشاره شد مخارج زیاد بخش عمومی و مشکلات ساختاری از عوامل افزایش مصرف در کشور ماست. از این رو برخی راهکارهای مبارزه با این عوامل و اصلاح آنها عبارتند از:

۱. خصوصی‌سازی: خصوصی‌سازی از سوی اقتصاددانان نئوکلاسیک به عنوان راه‌حلی برای کاهش مخارج دولت مطرح شده است. اصلاح اصل چهل و چهارم قانون اساسی در کشور ما نیز نشان از عزم عمومی در اجرای خصوصی‌سازی دارد. با این حال بیکاری گسترده و ایجاد انحصارات خصوصی که بعد از خصوصی‌سازی در تعدادی از کشورها رخ داده است،<sup>۱</sup> می‌تواند به عنوان یک نقطه ضعف جدی در تشکیل اقتصاد مقاومتی مطرح شود. در شرایط عادی مسئولین اقتصادی می‌توانند امیدوار باشند که منابع خارجی به شکل وام یا سرمایه‌گذاری خارجی مشکل بیکاری را تا اندازه‌ای حل خواهد کرد و یا مانند کشورهای سوسیالیست سابق بدون هیچ توجهی به نکات منفی تنها به سرعت خصوصی‌سازی را اجرا کنند. طبیعی است که چنین شرایطی در یک اقتصاد مقاومتی قابل قبول نیست.

در یک اقتصاد مقاومتی دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی‌های صحیح ضمن حفظ سطح بالای کارایی که به علت سیاست‌های خصوصی‌سازی حاصل شده است، مانع از افزایش بیکاری شود. در این راستا دولت باید سیاست‌های مقتضی را برای تشویق مالکان جدید به افزایش تولید اتخاذ کند. این اقدامات می‌تواند شامل حذف مقررات دست‌وپاگیر مثل کنترل‌های قیمتی، توسعه بازارهای مالی، تقویت روحیه کارآفرینی، کمک به بنگاه‌ها برای پیدا کردن بازارهای تازه (مخصوصاً در

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به ج.دی. براون (Brown) و همکاران (۲۰۰۸) و مارتین (Martin) مراجعه شود.

کشورهای خارجی) و حفاظت از رقابت در بازار باشد. در این راستا باید از اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در صنایعی که از بازارهای انحصاری برخوردارند اجتناب شود.

زیرساخت‌های کارآمد حمل‌ونقل که امکان تحرک نیروی کار را افزایش می‌دهد و نظام قوی آموزشی که توانایی کارگران را در یافتن مشاغل جدید افزایش می‌دهد از سایر عوامل مؤثر در کاهش بیکاری‌های ناشی از خصوصی‌سازی می‌باشند. در نهایت وجود نظام تأمین اجتماعی کارآمد که از افراد بیکار حمایت می‌کند می‌تواند آثار مضر بیکاری بر امنیت جامعه را به حداقل برساند. نکات فوق به ما هشدار می‌دهد که قبل از اجرای هر سیاست خصوصی‌سازی، باید از اجرای کارآمد نهادهای فوق مطمئن شد.

از سوی دیگر خصوصی‌سازی تنها راهکار افزایش کارآیی در اقتصاد نیست، چنانچه به‌نظر مسئولین هزینه‌های خصوصی‌سازی هنوز بالا می‌باشد، می‌توان با انجام راهکارهای مدیریتی زیر بدون کاهش سطح اشتغال کارآیی را در اقتصاد افزایش داد.

۲. تمرکززدایی: تمرکززدایی (انتقال مسئولیت‌های اداری از سطوح بالا به سطوح پایین‌تر بدون تفویض قدرت سیاسی)، تفویض (انتقال قابل توجه مسئولیت‌های سیاسی به مسئولین پایین‌تر) و ایجاد نمایندگی (انتقال بعضی از وظایف دولت به یک سازمان نیمه‌مختار غیردولتی غیرانتفاعی) از راه‌های دیگر کاهش مصرف است. برای انجام این امور باید توانایی مسئولین رده‌های پایین‌تر به‌دقت شناسایی شود. چنین سیاست‌هایی از یک طرف سبب بهبود در اداره امور سازمان‌های رده پایین، کیفیت بهتر در ارائه خدمات و در نتیجه کاهش هزینه‌ها خواهد شد. همچنین به‌کارگیری نظام عدم تمرکز در سطوح مدیریتی نیز موجب می‌شود تا مدیران ارشد فرصت بیشتری برای رسیدگی به وظایف اساسی خود نظیر برنامه‌ریزی راهبردی، نظارت در اجرا، ایجاد هماهنگی و اخذ تصمیمات کلی - که نیاز به زمان و فرصت کافی دارد - بیابند.

۳. تقویت مدیریت دولتی از طریق تقویت ارتباطات، مقررات‌زدایی، مطابق برنامه پیش رفتن و پرهیز از افتادن در دام وقت‌گذرانی و روزمرگی.

۴. جلوگیری از دخالت‌های بیش از حد جریان‌های سیاسی در ساختار اداری کشور و قرار گرفتن روابط صنفی و حرفه‌ای در سازمان اداری.

۵. قانونگذاری با توجه به سیر تحولات و تغییرات پرشتاب محیطی و نیازهای آتی. در این خصوص، قابلیت اجرای قوانین و استثنانپذیر بودن آنها از نکات مهم می‌باشد.

۶. تغییر نگرش ارزیابی مدیران دولتی. در یک سیستم سنتی، مدیر دولتی موفق است که به اهداف مشخص شده (بدون توجه به هزینه‌های آن) برسد. توجه به هزینه‌های انجام شده برای



رسیدن به هدف در ارزیابی مدیران دولتی راه را بر ظاهرسازی و عوام‌فریبی و همچنین سوءتدبیر ناشی از انتصاب‌های به دور از شایسته‌سالاری، تا حد زیادی خواهد بست.

۷. به وجود آوردن و تقویت مسئولیت و پاسخگویی اجتماعی در سازمان‌های اداری. در این میان دولت‌ها و ساختارهای اداری، مؤسسات آموزشی و فرهنگی، رسانه‌های جمعی و غیره در ایجاد احساس مسئولیت اجتماعی و متعاقباً عمل به آن نقش اساسی دارند. به خصوص در جامعه‌ای نظیر ایران که دولت در اداره بسیاری از سازمان‌ها مستقیماً مشارکت دارد.

۸. تقویت اصول اخلاقی در سازمان‌های دولتی.<sup>۱</sup> کاملاً بدیهی است که برای مقابله با اقدامات ضدامنیتی دشمنان در داخل کشور، باید در اقتصاد مقاومتی توجه ویژه‌ای به حفظ امنیت داشت، یا به نظر عده‌ای از آنجا که به علت تحریم ممکن است داروهای مخصوص وارد کشور نشود باید کشور در تولید کلیه این موارد بدون توجه به هزینه آن خودکفا شود، به همین ترتیب استدلال می‌شود که برای ساخت اقتصاد مقاومتی باید روحیه مردم کاملاً تغییر یابد، به نحوی که تنها به منافع جامعه بیاندیشند. در این زمینه توجه به نکات زیر ضروری می‌باشد:

۹. توجه کامل به رعایت اصل «پیشگیری بهتر از درمان است» در مخارج دولتی در زمینه تأمین امنیت، بهداشت، حفاظت از محیط زیست و میراث فرهنگی و غیره. به‌عنوان مثال دولت می‌تواند به جای مخارج عظیم برای نیروهای انتظامی با دادن هشدارهای مربوطه و بالا بردن سطح آگاهی مردم از رخ دادن بسیاری از جرائم جلوگیری کند. تأمین روشنی معابر در شب، اجتناب از تغییرات جمعیتی شدید در شهرها و محلات، رعایت اصول امنیتی در ساخت خانه‌ها (به‌عنوان مثال اجبار به داشتن پارکینگ برای واحدها) و سیاست‌های مشابه از بسیاری از جرائم کوچک و بزرگ خواهد کاست. در زمینه بهداشت دولت می‌تواند به‌جای صرف مخارج عظیم بر روی داروها و وسایل پزشکی مدرن از بیمار شدن مردم جلوگیری کند. امری که با دادن آگاهی‌های لازم به مردم در زمینه رژیم غذایی مناسب (اصلاح الگوی تغذیه و پرهیز از مصرف بی‌رویه غذاهای آماده) و تشویق مردم به ورزش انجام می‌گیرد.

۱۰. توجه به منفعت جامعه در قبال مخارج دولت. به‌عنوان مثال دولت به‌جای صرف مخارج هنگفت برای وسایل و داروهای پزشکی مدرن که چند سال به عمر افراد سالخورده می‌افزایند، توجه خود را به مسائل مربوط به مرگ و میر جوانان معطوف کند.<sup>۲</sup> در کشور ما یکی از دلایل مهم مرگ جوانان حوادث رانندگی است. با انجام اقدامات مربوطه که منجر به تلفات کمتر جوانان خواهد شد، جامعه می‌تواند به مدت طولانی از کالاها و خدمات تولید شده توسط آنها استفاده کند. البته این امر

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به ویتور و دیگران (۱۳۸۳) و غلامی و گودرزی (۱۳۹۰) مراجعه شود.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به ساموئلسون و نوردهاوس (۱۳۸۸) مراجعه شود.

نباید به بهای بی‌توجهی کامل به وضعیت سلامت سالخوردگان انجام شود.

۱۱. همسوسازی منافع مدیران دولتی با منافع جامعه. در دنیای مدرن نمی‌توان از افراد انتظار داشت که تنها به منافع جامعه بیاورند و هیچ توجهی به منافع شخصی نداشته باشند، بلکه بایستی در درون دستگاه اداری مدیر با پاداش‌های مادی و معنوی همراه باشد تا کارآیی و سلامت سیستم به نفع مدیر نیز باشد. برای رسیدن به این هدف باید نظام‌های پاداش و تنبیه، نظام‌های انگیزشی، نظام‌های پرورشی و نظام‌های گزینشی سالم باشد. یعنی افراد به‌دقت انتخاب شوند، به‌دقت از آنها کار خواسته شود، به‌دقت ارزیابی شوند و به‌دقت مورد پاداش یا تنبیه قرار گیرند.<sup>۱</sup>

## ۶-۲. حمل‌ونقل و ترانزیت در اقتصاد مقاومتی

در جهان امروز، حمل‌ونقل از جمله بخش‌های زیربنایی اقتصاد است که فرآیند توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و اساس مبادلات بازرگانی و کلید توسعه اقتصادی و اجتماعی است. برخی متخصصان حمل‌ونقل بر این باورند که بین کارآیی در بخش حمل‌ونقل و کارآیی عمومی اقتصاد و رشد اقتصادی، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و حمل‌ونقل را واسطه میان فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی در سطح ملی و بین‌المللی می‌دانند. گروهی دیگر، حمل‌ونقل را قلب جریان توسعه دانسته و معتقدند حمل‌ونقل در توزیع درآمدها و کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و کاهش آثار فقر و اختلاف درآمد روستائینان و شهرنشینان نقشی مؤثر دارد.<sup>۲</sup>

به‌طور دقیق‌تر می‌توان بیان کرد که رشد اقتصادی برخی از اجزای ساختار رشد، نظیر بخش کشاورزی، خدمات و حمل‌ونقل و ارتباطات و... برخلاف بخش‌هایی نظیر نفت و صنعت و معدن در ارتباط با مشارکت عمده دهک‌های پایین درآمدی جامعه است و گروه‌های پایین درآمدی در آن سهم بسزایی دارند. رونق و تحرک چنین بخش‌هایی می‌تواند در کاهش نابرابری درآمد نقش داشته باشد. نکته قابل ذکر دیگر این است که گسترش شبکه حمل‌ونقل و ارتباطات در جهت کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل در جهت استفاده از مزیت نسبی در برخی از کالاها به‌خصوص کالاهای کشاورزی که توسط قشر پایین درآمدی تولید می‌شود، نقش عمده‌ای دارد (مهرگان و دهقانی، ۱۳۸۹).

شبکه حمل‌ونقل آثار غیرقابل انکاری در حفظ امنیت غذایی و قطع وابستگی به بیگانگان دارد. به‌عنوان مثال در کشور کاستاریکا قبل از ساخت آزادراه مدرن، حمل‌ونقل گاوهای گوشتی

۱. به هاشمی (۱۳۸۴) مراجعه شود.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به شاتز و وینیبلیز (Shatz & Venables, 2000)، خادارو و سیتانا (Khadaroo & Seetanah, 2008)، ارنبرگ (Erenberg, 1993) و هوشمند و همکاران (۱۳۸۵) مراجعه شود.



به صورت گله‌های «روی پای خود» منجر به ۴۰ درصد افت وزن و ضرورت واردات گوشت به کشور بود. در حالی که امروزه با تریلی‌های مخصوص گاوها را یک‌شبه تحویل داده و کشور از نظر گوشت خودکفا شده است. در تایلند، احداث آزادراه «دوستی» موجب افزایش تولیدات نیشکر، سبزیجات، موز و دیگر میوه‌ها به سه برابر، در مدت سه سال گردید.

در بولیوی، ساخت آزادراه زمان مسافرت در فصل باران را از چند هفته به ۱۵ ساعت کاهش داده و کشور را از نظر برنج خودکفا نموده، زیرا قبل از آن قیمت برنج داخلی به علت مشکلات حمل‌ونقلی ۵۰ درصد بالاتر از برنج وارداتی بود.<sup>۱</sup>

انقلاب به وجود آمده در حمل‌ونقل در قرن بیستم، بشر را نسبت به رابطه مستقیم عدم تحرک با فقر آگاه نمود. اکنون با اطمینان می‌توان بیان کرد که با گسترش حمل‌ونقل امکان دسترسی به بسیاری از منابع دست نخورده فراهم می‌شود. علاوه بر کشاورزی، بخش صنعت نیز به سختی از کمبود امکانات حمل‌ونقل صدمه می‌خورد. کارخانه‌ها نیاز به تأمین منظم سوخت، مواد اولیه، قطعات یدکی و سیستم قابل اعتماد برای حمل محصولات تولید شده خود دارند. ضعف امکانات حمل‌ونقل داخلی حتی به موقعیت‌های جهانی بازار محصولات یک کشور صدمه وارد می‌سازد (همان).

به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان بین‌المللی، مطالعات انجام شده در سطح کلان اقتصادی برخی کشورها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل باعث افزایش رشد اقتصادی این کشورها شده و با افزایش بازدهی اجتماعی در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، موجبات سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل را فراهم آورده است. با بهبود زیرساخت‌های ارتباطی، هزینه جابجایی کاهش می‌یابد و هرچه جابجایی بیشتر شود، تقسیم جغرافیایی کار فزونی یافته که در نتیجه کیفیت کالا افزایش و بهای تمام شده خدمات کاهش می‌یابد. در بین روش‌های مختلف حمل‌ونقل، حمل‌ونقل ریلی از مزایایی چون مصرف سوخت کمتر، سازگاری بهتر با محیط زیست، ایمنی بالاتر، قابلیت انتقال انبوه کالا و مسافر و راحتی سفر برخوردار است. یکی از مهمترین ویژگی‌های حمل‌ونقل ریلی، مصرف کمتر سوخت در مقایسه حمل برابر بار و مسافر، نسبت به جاده و سایر شقوق حمل‌ونقل است. این ویژگی اساسی، موجب رویکرد صحیح و اصولی تصمیم‌گیران مبنی بر برتری این بخش بر سایر شقوق حمل‌ونقل شده تا آن را مبنای توسعه حمل‌ونقل کشور قرار دهند.

مزیت‌های نسبی راه‌آهن باعث شده تا مراکز عمده عرضه و تقاضا نظیر بنادر، معادن و سیلوها در کشورهای پیشرفته با خطوط ریلی به هم متصل شوند. به عبارتی می‌توان گفت راه‌آهن

سرپل ارتباطی مکانی بین عرضه و تقاضاست. حمل‌ونقل ریلی می‌تواند نه تنها به‌طور مستقیم ایجادکننده شغل باشد (در شکل کارمندان راه‌آهن)، بلکه با افزایش مسافرت‌های شغلی و تفریحی مردم صنعت گردشگری و هتلداری و... رونق می‌گیرد.

همچنین مصرف کمتر انرژی این بخش در راستای تدابیر ارزنده سیاستگذاران بخش نفت برای کاهش و بهینه‌سازی مصرف انرژی، قابل ارزیابی و تأمل است. هم‌اکنون بخش ریلی علیرغم سهم ۱۶ درصدی از حمل‌ونقل بار و مسافر در کشور، تنها ۲ درصد مصرف گازوئیل را به‌خود اختصاص می‌دهد.

گسترش راه آهن همچنین می‌تواند از تلفات سوانح رانندگی و هوایی بکاهد که مورد آخر می‌تواند به تقویت مواضع کشور در برابر تحریم‌های صنعت هوایی کشور بیافزاید.

البته باید توجه کرد که هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی از سایر رشته‌ها کمتر است که به‌علت عدم وجود راه آبی و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در ایران محدودیت‌های قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. با این حال توسعه حمل‌ونقل آبی بین بنادر و جزایر مختلف ایران و کشورهای همسایه بدون فایده نیست.

افزایش ارتباطات بین مردم کشور تنها آثار محض اقتصادی ندارد، بلکه می‌تواند باعث افزایش همبستگی ملی بین اقوام مختلف کشور و تقویت سرمایه اجتماعی شود. در صورت وقوع جنگ و تجاوز دشمنان به خاک کشور، نیروهای دفاعی با استفاده از شبکه کارآمد حمل‌ونقل می‌توانند خود را به‌سرعت به مناطق مورد نظر برسانند.

تحولات اقتصادی صورت گرفته در دهه‌های اخیر به‌گونه‌ای است که مؤسسات تجاری تمایلی به حمل حجم زیادی از کالاها ندارند و به‌جای اینکه فضایی را به انبار کردن کالاها اختصاص دهند اغلب به تحویل به‌موقع تأکید می‌کنند که این خود امنیت و سرعت روزافزونی را در امر ترانزیت می‌طلبد. از این‌رو امروزه حمل‌ونقل عبوری یا ترانزیت کالا یکی از پرسودترین خدمات تجاری دنیا به‌شمار می‌رود و کشورهایایی که در مسیر کریدورهای ترانزیتی قرار می‌گیرند، می‌توانند بیشترین بهره را از این تجارت ببرند، در مقوله ترانزیت، امنیت و اقتدار سیاسی و اقتصادی، افزایش درآمدهای ملی، اشتغال‌زایی، توسعه پایدار، جذب سرمایه‌گذاری و... به‌عنوان صنعتی کاملاً بین‌المللی و در تعامل با دیگر کشورها متبلور می‌شود.

برخورداری از امنیت و مزیت جغرافیایی از مهمترین عواملی است که می‌تواند به‌خوبی زمینه‌ساز توسعه این صنعت در کشور ما باشد و بر همین اساس، ایران همواره به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی کوتاه و مناسب مورد توجه صاحبان کالا بوده است. نیاز کشورهای آسیای مرکزی در



دسترسی به آب‌های آزاد از یک‌سو و رشد فرآیند اقتصادی کشورهای شرق و جنوب آسیا و علاقمندی آنان به تجارت با غرب از سوی دیگر و همچنین همسایگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی و دارا بودن مشترکات دینی، فرهنگی و تاریخی، موقعیت ممتازی را برای کشور ما به ارمغان آورده است، زیرا فعالیت اقتصادی ترانزیت علاوه بر کسب درآمدهای ارزی و ایجاد ارزش افزوده، نقش مؤثری در فرآیند کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید دارد و از طریق ایجاد اشتغال، افزایش امنیت ملی، توسعه و عمران منطقه‌ای و بین‌المللی در جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی حائز اهمیت است.

اهمیت ترانزیت فراتر از مسائل صرف اقتصادی می‌باشد. چنانچه کشورهای منطقه برای واردات کالاهای خود از خاک ایران استفاده کنند، بدین ترتیب مسیر اقتصاد آنها وابسته به وجود امنیت و ثبات در ایران می‌شود. در چنین حالتی انجام اعمال خصمانه این کشورها بر علیه ایران برای آنها پرهزینه خواهد بود و به احتمال قوی آنها چنین اعمالی را انجام نخواهند داد. مجموعه نکات فوق تقویت بخش ترانزیت را به یک ضرورت غیرقابل انکار تبدیل می‌سازد. چنانچه به‌طور دقیق‌تری آثار تحریم بر نظام حمل‌ونقل کشور مورد بررسی قرار گیرد، باید نقطه ضعف نظام فوق مورد بررسی قرار گیرد.

براساس آمارهای موجود از تجارت خارجی کشور، سهم حمل‌ونقل دریایی در جابجایی کالاهای وارداتی و صادراتی از نظر وزنی ۹۰ درصد و از نظر ارزشی ۷۰ درصد به‌دست می‌آید که نشان از وابستگی قابل توجه تجارت خارجی ایران به حمل‌ونقل دریایی دارد. بر همین اساس به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران سیاست خارجی و اقتصاد بین‌الملل، حمل‌ونقل دریایی به‌عنوان مهمترین و آسیب‌پذیرترین بخش اقتصادی شناسایی شده و در تیررس تحریم‌های غیرمنصفانه کشورهای متخاصم قرار گرفته است<sup>۱</sup> با این حال با توجه به قدرت ایران در بازرسی کشتی‌های درحال گذار از تنگه هرمز بعید به‌نظر می‌رسد که دشمنان اقتصادی از حربه فوق استفاده حداکثری کنند. بهترین راهکار برای ایران متنوع‌سازی مسیرهای حمل‌ونقل از طریق گسترش امکانات بنادر دریای خزر و شبکه‌های ریلی و جاده‌ای می‌باشد. به همین طریق می‌توان اقدام به متنوع‌سازی خدمات بندرهای کشور نمود. تقویت زیرساخت‌های مربوطه متناسب با شرایط بازار (لایروبی کانال‌ها، استفاده از جرثقیل‌های مناسب، کاهش هزینه‌های بندری کشتی و...) و در یک کلام توجه بیشتر به نظام حمل‌ونقل در اسناد توسعه‌ای کشور مثل برنامه‌های پنج‌ساله از راهکارهایی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

## ۲-۷. نفت و اقتصاد مقاومتی

اهمیت بالای صنعت نفت در اقتصاد ایران مورد انکار هیچ شخص یا گروهی (اعم از دوست یا دشمن) نیست. با توجه به اهمیت فوق، وجه مشترک کلیه دشمنی‌های اقتصادی صورت گرفته بر علیه ایران ضربه زدن به صنعت نفت کشور بوده است. این امر عموماً از طریق تحریم خرید و سرمایه‌گذاری در بخش فوق صورت گرفته است. راه‌حل کلی برای مبارزه با اقدامات فوق، متنوع‌سازی درآمدهای ارزی کشور از طریق گسترش صادرات غیرنفتی می‌باشد.

چنانچه قصد تقویت صنعت نفت در برابر تهدیدهای اقتصادی را داشته باشیم، باید در ابتدا تهدیدهای فوق را به‌دقت شناسایی کرد. اقدامات خصمانه دشمنان در زمینه صنعت نفت ایران خود را در زمینه تحریم سرمایه‌گذاری در صنعت و تحریم خرید نفت نشان داده است. درحالی‌که پیچیدگی‌های بازار نفت و وجود تقاضای بالای برای آن ایران را قادر ساخته تا تحریم‌های نفتی را پشت سر بگذارد، وجود مشکلاتی در صنعت نفت باعث شده تا اثر ممنوعیت سرمایه‌گذاری در بخش فوق بیشتر شود. مشکلات فوق عبارتند از:

۱. سرمایه‌بری بالای صنعت نفت و گاز.
۲. کمبود سرمایه‌های داخلی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه.
۳. عمر بالای چاه‌ها و تجهیزات نفتی ایران.
۴. تخریب و آسیب‌دیدگی بخشی از تجهیزات در جریان جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران.
۵. وجود منابع مشترک نفتی و گازی ایران با کشورهای دیگر و لزوم تسریع در بهره‌برداری از آنها (نوروزی، ۱۳۹۱).

راهکارهایی که برای حل مشکل فوق می‌توان به‌کار بست عبارتند از: (با یادآوری این نکته که اجرای این راهکارها در میدین مشترک از اولویت بالاتری به سایر میدین برخوردار هستند):

- الف) تشویق نوآوری در کلیه بخش‌های صنعت نفت.
- ب) تخصیص قسمتی از درآمدهای هر حوزه نفتی برای سرمایه‌گذاری در آن.
- ج) انتشار اوراق مشارکت داخلی و خارجی در زمینه صنعت نفت.
- د) جذاب ساختن صنعت نفت برای سرمایه‌گذاران خارجی از طریق ایجاد امنیت و ثبات.
- هـ) اجرای خصوصی‌سازی و سایر راهکارهای ارتقای بهره‌وری.
- و) فروش سهام شرکت‌های نفتی در بورس.
- ز) در نظرگیری تسهیلات خاص برای صنایع تولیدکننده تجهیزات نفتی.
- ح) تربیت نیروهای متخصص حوزه نفت.



در زمینه مبارزه با تحریم خرید نفت ایران راهکارهای زیر وجود دارد:

۱. به‌کارگیری روش‌های جدید بازاریابی متناسب با شرایط روز. به‌عنوان مثال با توجه به تحریم بیمه نفتکش‌های حامل نفت ایران، شرکت‌های بیمه داخلی می‌توانند این وظیفه را انجام دهند یا خود نفتکش‌های ایرانی اقدام به حمل نفت ایران کنند. در اجرای راهبرد فوق باید از ایجاد وابستگی به چند خریدار معدود به‌شدت اجتناب کرد.

۲. فروش نفت به واسطه‌ها. اشکال روش فوق تحمیل هزینه‌های دلالی به اقتصاد کشور می‌باشد. راهکارهای فوق با این ایراد روبرو هستند که با افزایش هزینه‌ها، سود فروش نفت ایران را کاهش می‌دهند. ایران می‌تواند با افزایش تعداد خریداران و به‌وجود آوردن رقابت در بین آنها ضرر خود را کمتر کند. در این راستا تقویت بورس نفت می‌تواند گامی در جهت رسیدن به هدف فوق باشد.

۳. تبدیل نفت به فرآورده‌ها و خدمات مبتنی بر نفت و صادرات آن فرآورده‌ها و یا ارائه خدمات. تبدیل نفت به فرآورده‌ها و خدمات مبتنی بر نفت و صادرات آن فرآورده‌ها و یا ارائه خدمات دو مزیت دارد.

نخست، تحریم محصولات و خدمات حاصل از نفت بسیار دشوارتر از خود نفت است. زیرا به‌عنوان نمونه، محموله‌های فرآورده‌های نفتی مانند بنزین کوچک‌تر از محموله‌های نفتی است و خرید و فروش آنها ساده‌تر از نفت انجام می‌شود یا مثلاً ارائه خدمات ترانزیت کالا از کریدورهای عبوری از کشور که نیاز به سوخت‌هایی مانند گازوئیل و یا سوخت هواپیما دارد، چیزی نیست که به سادگی تحریم شود و کسانی که از این خدمات استفاده می‌کنند به راحتی دست از آنها بکشند. همچنین مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات مبتنی بر نفت در همسایگی ایران وجود دارند و تقاضای آنها برای دریافت این محصولات بسیار زیاد است.

به‌عنوان نمونه کشورهایمانند عراق، افغانستان و پاکستان به‌شدت به بنزین و گازوئیل نیاز دارند. به‌خصوص با توسعه زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی این کشورها نیاز آنها به فرآورده‌های نفتی افزایش خواهد یافت.

به این ترتیب تبدیل نفت به محصولات و خدمات مبتنی بر نفت راهبرد دیگری است که هم وابستگی کشور به درآمدهای نفتی را کاهش می‌دهد و هم باعث رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال از طریق توسعه زنجیره ارزش‌افزوده و صادرات می‌شود (کریمی، ۱۳۹۱).

۴. تمرکز سیاستگذاری خارجی بر کشور عربستان سعودی و سایر کشورهای دارای منابع مازاد نفتی. آمریکایی‌ها ضمن تحریم نفتی ایران، تمایل دارند تا هزینه‌های آن (افزایش قیمت نفت) برای خود را کاهش دهند. در این راستا آنها امیدوارند تا کشورهای فوق با افزایش تولید سهم ایران

را اشغال کنند. دستگاه سیاستگذاری ایران باید با استفاده از ابزارهای موجود مانع از همکاری این کشورها با دشمنان ایران شود.

### ۳. فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصاد مقاومتی

اجرای اقتصاد مقاومتی یا حفاظت اقتصاد داخلی در برابر تهدیدهای اقتصادی دشمنان می‌تواند فوائد متعددی برای جامعه ایرانی داشته باشد. تحریم‌های نفتی می‌توانند جامعه ایرانی را متوجه وابستگی شدید اقتصاد به درآمدهای نفتی سازند. نقطه ضعفی که در زمان کاهش قیمت نفت مورد توجه جامعه قرار می‌گرفت و با بهبود قیمت نفت به فراموشی سپرده می‌شد. تزریق بی‌رویه درآمدهای نفتی که موجب به‌وجود آمدن رانت‌های متعدد می‌گردید، توجه فعالین اقتصادی را از فعالیت‌های معطوف به افزایش بهره‌وری به اعمال رانت‌جویانه منحرف می‌ساخت. شاید گروهی نیز به واسطه درآمدهای نفتی کشور، پرداخت مالیات را یک وظیفه حتمی تلقی نمی‌کردند، ضمن آنکه دولت را موظف به حل هر مشکلی در جامعه می‌دانستند. اقتصاد مقاومتی که بر پایه متنوع‌سازی صادرات و بخش خصوصی پویا و کارآفرین قرار گرفته است، می‌تواند برای یک بار و همیشه مشکلات فوق را حل سازد.

با این حال انتظارات بیش از حد از اقتصاد مقاومتی می‌تواند باعث انحراف جریان منابع کشور شود. اقتصاد مقاومتی به معنای استفاده کارآمد از کلیه منابع اقتصاد می‌باشد و هرگز به معنای اقتصاد بدون نفت نیست، زیرا که از نفت نیز باید مانند سایر منابع استفاده صحیح کرد. اقتصاد مقاومتی به معنای خودکفایی مطلق اقتصادی نیست، پدیده‌ای که در هیچ کشور جهان رخ نداده است. تحریم‌های اقتصادی به قصد محروم‌سازی ایران از فوائد تجارت بین‌الملل صورت می‌گیرند، بنابراین حرکت داوطلبانه کشور به سمت قطع روابط تجاری و مالی با سایر کشورها با مبنای رسیدن به خودکفایی منطقی به‌نظر نمی‌رسد. اقتصاد مقاومتی یک فرآیند یا جریان می‌باشد و هرگز در کوتاه‌مدت محقق نمی‌شود، بنابراین باید به‌شدت از سیاست‌های مقطعی و کوتاه‌مدتی مانند کنترل قیمت‌ها که در بلندمدت موجب وابستگی بیشتر کشور به بیگانگان می‌شود، خودداری کرد.

برای طراحی صحیح اقتصاد مقاومتی، تحریم‌ها باید به‌صورت متغیری درون‌زا در نظر گرفته شوند، به عبارت دیگر، از آنجا که پیشگیری ارزان‌تر از درمان است، خط مقدم اقتصاد مقاومتی اجرای سیاست‌های پیشگیرانه از تحریم‌های اقتصادی است. در این راستا باید ارتباط تنگاتنگی بین نظام اقتصادی و سیاست خارجی کشور برقرار باشد تا ضمن حفظ منافع بر حق ملت ایران، دشمنان کشور موفق به به‌وجود آوردن اجماع جهانی بر علیه ایران نشوند و مجبور شوند تا به



تنهایی تحریم‌های اقتصادی را بر علیه ایران به‌کار گیرند که در آن صورت مبارزه با آن ساده‌تر خواهد بود. در نظر نگرفتن مسائل فوق و وارد کردن تحریم‌ها به‌عنوان متغیری برون‌زا در طراحی اقتصاد مقاومتی می‌تواند هزینه‌های بسیار سنگینی را به اقتصاد تحمیل کند.

#### ۴. شاخص‌های نشان‌دهنده برقراری اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی حداقل بر چهار پایه راه‌های مختلف کسب درآمد (که می‌تواند خود را در شکل استفاده کارآمد از کلیه منابع اقتصاد نشان دهد)، پس‌انداز بالا یا اجتناب از مصرف بی‌رویه، عملکرد کارای نهادهای کاهش‌دهنده ریسک و برطرف کردن کلیه نقاط ضعف اقتصاد استوار است. بنابراین هر شاخصی که نشان‌دهنده بهبود یکی از عوامل فوق بدون کاهش سایر عوامل باشد، می‌تواند نشان‌دهنده مقاوم‌تر شدن اقتصاد باشد.

مهمترین منبع اقتصادی نیروی انسانی آن است. بنابراین هر شاخصی که نشانگر بهبود در وضعیت فوق باشد، کشور را به سمت اقتصاد مقاومتی خواهد برد. گروهی از مهمترین شاخص‌ها در این زمینه عبارتند از:

#### ۴-۱. نرخ پایین بیکاری و عدم وجود بیکاری پنهان<sup>۱</sup>

نرخ بیکاری پایین از شاخص‌های مهم یک اقتصاد مقاوم است. در صورتی که نرخ بیکاری در جامعه‌ای بالا باشد، فقر و نارضایتی افزایش یافته و گروه‌های آسیب‌پذیر در مقابل هر شوکی که به اقتصاد وارد شود، واکنش نشان می‌دهند.

#### ۴-۲. بهره‌وری بالای نیروی کار

بهره‌وری بالای نیروی کار نیز یکی از شاخص‌های اقتصاد مقاوم است، بهره‌وری باعث کاهش هدررفت منابع جامعه می‌شود و باعث می‌شود تا یک اقتصاد در زمان شوک‌های اقتصادی و کمبود منابع، مقاومت بیشتری داشته باشد.

یکی از راهکارهای افزایش بهره‌وری نیروی کار، آموزش متناسب با نیازهای جامعه است، در این خصوص راهکارهای زیر می‌تواند مؤثر باشد.

۱. آموزش باکیفیت و مورد نیاز جامعه برای نیروی کار به همراه تقویت روحیه نوآوری،

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن (ویرایش اول)» صص ۱۱-۱۴ مراجعه کنید.

کارآفرینی و مسئولیت‌پذیری در نیروی کار باعث افزایش سرمایه انسانی کشور می‌شود و از طرف دیگر سرمایه انسانی کشور را متناسب با نیاز جامعه شکل می‌دهد. افزایش بهره‌وری نیروی کار از طریق آموزش‌های لازم می‌تواند نیروی انسانی را برای شرایط تحریم‌ها تربیت کند تا در مواقعی که انتقال دانش فنی نیز مورد تحریم قرار می‌گیرد، بتوان از دانش نیروهای تحصیلکرده داخلی استفاده کرد.

۲. شناخت دقیق دشمنان بالقوه و بالفعل کشور اهمیت بسیار زیادی در اقتصاد مقاومتی دارد. درحالی که در بیشتر کشورهای غربی رشته‌های شرق‌شناسی و ایران‌شناسی وجود دارد، هیچ رشته غرب‌شناسی یا اسرائیل‌شناسی در کشور ما وجود ندارد که بالطبع اثر منفی بر اقتصاد مقاومتی خواهد داشت.

۳. صرف منابع آموزشی کشور متناسب با نیازها: باید توجه داشت که صرف منابع کشور برای آموزش باید متناسب با نیازهای کشور صورت گیرد. درحالی که آموزش متناسب با نیازها می‌تواند به افزایش بهره‌وری نیروی کار منجر شود، آموزش غیرمتناسب نیز تنها منجر به هدررفت منابع شده و از طرف دیگر باعث می‌شود تا نیروی کار تحصیلکرده بیکار افزایش یابد، زیرا نیروی کار تحصیلکرده نیاز به مشاغل متفاوت با نیروی کار ساده دارد. بعضی از اقداماتی که دولت می‌تواند به منظور هدفمند کردن منابع آموزشی انجام دهد، عبارت است از:

- تخصیص اعتبارات آموزشی به نحوی که فقرا و مناطق محروم بیشترین استفاده را ببرند.

- اجتناب از گسترش بی‌رویه دوره‌های رایگان فوق‌لیسانس و دکترا.<sup>۱</sup>

اجرای نکات فوق باعث خواهد شد تا کشور به نقطه بهینه تخصیص منابع در مورد نظام آموزشی دست یابد و در نتیجه این آموزش بهینه می‌تواند به افزایش بهره‌وری نیروی کار کمک کند.

#### ۴-۳. کاهش نرخ مهاجرت نخبگان به خارج از کشور

نرخ بالای مهاجرت نخبگان به خارج از کشور یا اصطلاحاً فرار مغزها می‌تواند نشانه‌ای از وضعیت‌های زیر باشد:

- برای نخبگان علمی مهاجر، منافع شخصی‌شان بیش از منافع کشور اهمیت دارد.

- نظام آموزشی کشور بدون توجه به نیازهای واقعی ایران علمی را به افراد منتقل می‌کند که بیشتر برای کشورهای دیگر کاربرد دارد. در اینجا اهمیت بسیار بالای نظام آموزشی کشور در تقویت اقتصاد مقاومتی مشاهده می‌شود. چنانچه نظام آموزشی کشور بتواند متناسب با نیازهای واقعی کشور،

۱. هنگامی که فردی به تحصیل می‌پردازد، هم خودش و هم جامعه از افزایش معلومات فرد نفع می‌برند. با این حال هنگامی که مدارج تحصیلی فرد افزایش می‌یابد شکاف بین منفعت فردی و اجتماع به شدت افزایش می‌یابد. بنابراین اعطای یارانه در مدارج بالاتر از ضرورت کمتری برخوردار است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به تودارو (Todaro, 1378) و روزبهان (۱۳۷۱) مراجعه شود.



مخصوصاً در خصوص صنایعی که خطر تحریم آسیب شدیدتری برای آنها دارد، نیروی کار مورد نیاز را تربیت کند، کشور گام بلندی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی برخواهد داشت. در هر حال فرار مغزها به هر علتی که صورت گیرد، اثر آن برای اقتصاد مقاومتی مشابه فرار افسران از میدان جنگ است.

#### ۴-۴. افزایش کارآفرینان در اقتصاد

کشور بدون داشتن گروهی از مالکان یا مدیران که حاضر به خطر کردن، باز کردن کارخانه‌های جدید، اختیار کردن فناوری‌های جدید، رویارویی با موانع و وارد کردن شیوه‌های جدید تجارت هستند نمی‌تواند به سوی اقتصاد مقاومتی حرکت کند. دولت می‌تواند با تأسیس مدارس کارآفرینی و مدیریت و همچنین با احترام گذاشتن به مقوله سود و نقش بخش خصوصی به روند فوق کمک کنند.

#### ۴-۵. دوقطبی نبودن جامعه

وجود اختلاف درآمد در جامعه و شکاف درآمدی باعث می‌شود تا کشور به لحاظ اقتصادی دارای دو قطب و گروه جدا از هم باشد. این موضوع گروه ضعیف جامعه را از پیشرفت‌های کشور دلسرد می‌سازد و در نتیجه مشارکت افراد در اقتصاد را کاهش می‌دهد. دوقطبی نبودن جامعه باعث مشارکت بیشتر مردم شده و در نتیجه کشور را به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در مقابل شوک‌های وارده مقاوم‌تر می‌سازد.

#### ۴-۶. تنوع درآمدهای صادراتی کشور

تنوع درآمدهای صادراتی کشور همان‌طور که در قسمت متنوع‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی نیز به آن اشاره شد، یکی از راه‌های مقاوم‌سازی اقتصاد است. در این زمینه باید توجه داشت که متنوع‌سازی باید در دو بخش تنوع در کالاهای صادراتی و تنوع در شرکای صادراتی صورت گیرد. تنوع در شرکای صادراتی باعث می‌شود تا تحریم‌ها از طرف برخی کشورهای خاص اثرگذاری کمتری داشته باشد.

شرکت‌های کارآمد بیمه می‌توانند قسمتی از خطراتی را که به علت اقدامات خصمانه دشمنان کشور برای تجار داخلی و خارجی رخ داده است را خنثی کنند. در این زمینه افزایش ضریب نفوذ بیمه هم برای بازار ایران و هم برای شرکای تجاری خارجی می‌تواند تا اندازه‌ای از آثار منفی تحریم‌ها بکاهد.

## ۵. شباهت‌ها و تفاوت‌های اقتصاد سالم با مقاومتی

ویژگی‌هایی که در این مطالعه برای اقتصاد مقاومتی ذکر شد، تا حدود زیادی به ویژگی‌های یک اقتصاد توسعه‌یافته شباهت دارد. به‌طور کلی در بیانات مقام معظم رهبری درخصوص تعریف چارچوب‌های اقتصاد مقاومتی نیز مشخص است که ایشان اقتصادی شکوفا، دارای رشد اقتصادی بالا و دارای مشارکت فعال در بازارهای جهانی را یک اقتصاد مقاوم می‌دانند. با این حال اقتصاد مقاومتی دارای تفاوت‌هایی با یک اقتصاد توسعه‌یافته نیز است. اقتصاد مقاومتی برای کشوری تعریف می‌شود که در شرایط تحریم‌های خارجی قرار دارد. بنابراین در چنین اقتصادی ارتباط با دنیای خارج با در نظر گرفتن قید تحریم صورت می‌گیرد. به‌عنوان مثال ممکن است تجارت با برخی کشورها که به‌لحاظ شاخص‌های تجاری دارای مزیت و نفع اقتصادی است صورت نگیرد و از طرف دیگر برخی دیگر از کشورها که به‌لحاظ اقتصادی جذابیت کمتری دارند در زمره شرکای تجاری قرار گیرند. بنابراین در اقتصاد مقاومتی تلاش می‌شود تا کشور در مسیر رشد و توسعه قرار گیرد. با این ملاحظات که تحریم‌های خارجی بر علیه این کشور، بر سایر کشورهای دنیا نیز تأثیر جدی بگذارد. در یک اقتصاد مقاوم برخی شاخص‌های اقتصادی نسبت به برخی دیگر از شاخص‌ها اهمیت بیشتری می‌یابند. به‌عنوان مثال تنوع درآمدهای صادراتی نسبت به تخصص‌گرایی در تولید برخی محصولات اولویت بیشتری دارد، هر چند تخصص‌گرایی نیز دارای اهمیت است.<sup>۱</sup>

## راهکارها و پیشنهادها

به‌طور کلی هر عامل اقتصادی (اعم از یک فرد یا یک کشور) برای مقابله با شوک‌های وارده راه‌حل‌های زیر را پیش رو دارد:

الف) استفاده از کلیه منابع موجود برای مبارزه با شوک‌های وارده که به‌معنای بالا بردن توان انعطاف‌پذیری اقتصاد در بهره‌گیری از منابعش می‌باشد.

ب) اجتناب از مصرف بی‌رویه یا پس‌انداز بیشتر (کاهش هزینه‌ها).

ج) متنوع‌سازی منابع درآمدی اقتصاد (افزایش درآمد از راه‌های دیگر).

د) و شاید از همه مهمتر پیشگیری از وارد شدن شوک به اقتصاد.

تحریم‌های بین‌المللی بر علیه ایران در صورتی از موفقیت برخوردار است که موفق به جلب

۱. سایر تفاوت‌ها و شباهت‌های اقتصاد مقاومتی و اقتصاد توسعه‌یافته را می‌توان در عدم تسلط نظامی خارجی بر یک اقتصاد مقاومتی و یا تفاوت در ترکیب استفاده از سرمایه‌ها در اقتصاد مقاومتی و توسعه‌یافته دانست. برای اطلاعات بیشتر به «اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن (ویرایش اول)» صص ۱۴-۱۵ رجوع کنید.



همکاری کشورهای بیشتری بر علیه ایران شوند. با توجه به اصل بدیهی «پیشگیری بهتر از درمان است»، خط مقدم اقتصاد مقاومتی، سرمایه اجتماعی بین‌المللی ایران است. به زبان ساده‌تر توانایی ایران در جلوگیری از پیوستن سایر کشورها به جمع کشورهای تحریم‌کننده، بر هم زدن اتحادهای موجود بر علیه کشور و گسترش متحدان عامل بسیار مهمی در تقویت اقتصاد ملی است.

تحریم وضع شده توسط گروهی از کشورها مشابه یک زنجیر است. قدرت زنجیر فوق بستگی به توان ضعیف‌ترین حلقه آن دارد، چنانچه حلقه فوق بشکند کل زنجیر علیرغم داشتن حلقه‌های قوی در هم خواهد شکست. بنابراین برای مبارزه با تحریم باید ضعیف‌ترین کشورهای تحریم‌کننده را مورد شناسایی قرار داد. در شرایط فعلی، اتحادیه اروپا در مقایسه با آمریکا و کشورهای یونان، پرتغال، اسپانیا و ایرلند نسبت به سایر کشورهای اروپایی در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند. بنابراین ایران در مذاکره با کشورهای فوق از شانس بیشتری برخوردار خواهد بود.

علاوه بر آن وضع تحریم باعث ضرر و زیان گروه‌هایی در کشورهای تحریم‌کننده خواهد شد. انجام مذاکره و نزدیکی با گروه‌های مذکور می‌تواند راه‌های جدیدی را به کشور نشان دهد.

شناخت دقیق دشمنان بالقوه و بالفعل کشور اهمیت بسیار زیادی در اقتصاد مقاومتی دارد. درحالی که در بیشتر کشورهای غربی رشته‌های شرق‌شناسی و ایران‌شناسی وجود دارد، هیچ رشته غرب‌شناسی یا اسرائیل‌شناسی در کشور ما وجود ندارد که بالطبع اثر منفی بر اقتصاد مقاومتی خواهد داشت.

البته این امر به معنای غفلت از سرمایه اجتماعی داخلی (چه بین مردم و چه بین مردم و دولت) نیست. توجه به سرنوشت قذافی، دیکتاتور معدوم لیبی در این زمینه آموزنده است. رژیم قذافی رابطه خود را با غرب به هر قیمتی اصلاح کرده بود و لیبی از تولیدکنندگان مهم نفت مرغوب به‌شمار می‌رفت، اما هنگامی که سرمایه اجتماعی داخلی رژیم از بین رفت، سرمایه اجتماعی بین‌المللی قذافی نیز از هم پاشید.

خط دوم اقتصاد مقاومتی شامل راهکارهای مبارزه با اقدامات خصمانه صورت گرفته است. تحریم‌ها در بهترین حالت ورود سرمایه خارجی را مختل می‌سازند. در چنین شرایطی کشور می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی داخلی را جانشین سرمایه از دست رفته سازد. ضمن آنکه متنوع‌سازی منابع درآمدی کشور یا همان گسترش صادرات غیرنفتی آثار تحریم را تضعیف خواهد کرد و با افزایش توان کشور، قدرت اقتصادی را افزایش می‌دهد.

در صورت احداث صنایع جدید باید به این نکته مهم توجه کرد که مواد اولیه و یدکی آنها از چه طریقی تأمین خواهد شد. در صورت واردات کالاهای فوق از کشورهای متخاصم، اقتصاد مقاومتی تقویت نخواهد شد.

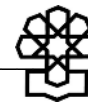
با توجه به اینکه تحریم هزینه‌های تجارت را افزایش می‌دهد، دولت باید با اقدامات صحیح ازسوی دیگر هزینه‌های فوق را برای بخش خصوصی کاهش دهد. این امر می‌تواند خود را در شکل مقررات‌زدایی و گسترش نظام ارتباطی کشور (اعم از زیرساخت‌های حمل‌ونقل، خطوط تلفن و اینترنت و...) نشان دهد.

در کوتاه‌مدت که امکان متنوع‌سازی تولیدات وجود ندارد، باید از وابستگی به چند کشور معدود در حوزه تجارت به‌شدت دوری کرد یا به زبان دیگر برای تجارت یک کالای خاص اقدام به متنوع‌سازی در شرکای تجاری کشور و سایر راه‌های ارتباطی نمود.

افزایش توان تولید داخلی از نکات مهم در ساخت اقتصاد مقاومتی است، اما با این حال نباید در دام افزایش تولید همه کالاها (بدون توجه به مزیت‌های نسبی بالقوه و بالفعل) و قطع کامل تجارت افتاد. صرف‌نظر از آنکه در بسیاری موارد مصرف بهینه و کنترل ضایعات راه‌حل کارآمدتری به حساب می‌آیند. بنابراین می‌توان خطوط بعدی اقتصاد مقاومتی را متنوع‌سازی ساختار تولید براساس مزیت‌های نسبی بالفعل و بالقوه و مصرف بهینه دانست.

همچنین توجه به برخی مزیت‌های نسبی کشور که در حال حاضر کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند نیز باید اهمیت بیشتری داده شود. به‌عنوان مثال ایران به‌لحاظ موقعیت جغرافیایی در مسیر اصلی ترانزیت شرق به غرب و اتصال کشورهای آسیایی میانه به اروپا قرار دهد. همچنین تنها دسترسی برخی کشورهای اطراف ایران مانند افغانستان به آب‌های آزاد، کشورهای همسایه از جمله ایران است. این مزیت جغرافیایی درحالی که تجارت خدمات در حال حاضر سهم قابل توجهی در تجارت جهانی دارد اهمیت قابل ملاحظه‌ای داشته و می‌تواند درآمد بالایی را برای کشور به همراه داشته باشد.

متنوع‌سازی درآمدهای نفتی یکی از اولویت‌های اقتصاد مقاومتی است. درحالی که در حال حاضر کشور به‌شدت وابسته به درآمدهای نفتی است و مشتریان نفتی ایران نیز تعداد معدودی از کشورها هستند، باید توجه داشت که متنوع‌سازی هم در محصولات نفتی و هم در شرکای نفتی ایران می‌تواند تا حدود زیادی تأثیر تحریم‌ها را کاهش دهد.



## منابع و مآخذ

۱. بهروزی‌فر، مرتضی. اثر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۳، ۱۳۸۳.
۲. پل، ساموئلسون و نوردهاوس. اصول علم اقتصاد، ترجمه مرتضی محمدخان، جلد اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
۳. تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۸۷.
۴. جیروند، عبدالله. توسعه اقتصادی، انتشارات مولوی، ۱۳۷۵.
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، سمت، ۱۳۷۹.
۶. روزبهان، محمود. مبانی توسعه اقتصادی، انتشارات تابان، ۱۳۷۱.
۷. سوفی، ویترو و دیگران. اقتصاد بهداشت برای کشورهای درحال توسعه، ترجمه ابوالقاسم‌پور رضا، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳.
۸. سیدشکری، خشایار. آثار اقتصادی اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و سنت، مجموعه مقالات همایش ملی اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و سنت، ۱۳۸۸.
۹. سیدشکری، خشایار. تأثیر بورس اوراق بهادار بر اقتصاد، صبح اقتصاد، شماره ۱۶۷، ۱۳۸۳ ج.
۱۰. سیدشکری، خشایار. جایگاه سیستم بانکی در اقتصاد، صبح اقتصاد، شماره ۱۵۱، ۱۳۸۲ الف.
۱۱. سیدشکری، خشایار. راهکارهای مربوط به فرهنگ‌سازی بیمه‌ای، صبح اقتصاد، شماره ۲۸۰، ۱۳۸۳ ب.
۱۲. سیدشکری، خشایار. عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال، همایش ملی بررسی راهکارهای علمی ایجاد اشتغال، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ۱۳۸۰.
۱۳. شبکه خبری کشاورزان ایران، گامی به سوی خودکفایی پایدار در تولید گندم، (<http://agroeco.ir>).
۱۴. صدر، سیدمحمدباقر. اقتصاد صدر اسلام، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
۱۵. طلوعی، محمود. بازی قدرت، نشر علم، ۱۳۷۱.
۱۶. غلامی، اسماعیل و حجت طاهری گودرزی. مشکلات ساختار اداری در ایران، سایت جامع مدیریت ([www.modiryar.com](http://www.modiryar.com)), ۱۳۹۰.
۱۷. فقهی، محمد. تکمیل نهادهای مالی در کشور، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، ۱۳۸۶.
۱۸. کلمن، دیوید و فورد نیکسون. اقتصادشناسی توسعه‌نیافتگی، ترجمه غلامرضا آزاد، انتشارات وثقی، ۱۳۷۸.
۱۹. مالکوم، گیلیس و دیگران. اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد، نشر نی، ۱۳۸۵.
۲۰. مجتهد، احمد و علی حسن‌زاده. پول و بانکداری و نهادهای مالی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، ۱۳۸۷.
۲۱. مرکز پژوهش‌های مجلس، تأثیر سیاست‌های اتخاذ شده در اجرای قوانین بر تولید و هزینه تمام شده گندم در سال ۱۳۹۰، دفتر مطالعات زیربنایی، شماره مسلسل ۱۰۸۴۸، ۱۳۹۰.
۲۲. معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، احتمال تحریم و پیامدهای آن برای ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت، ۱۳۸۵.
۲۳. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، گونه‌شناسی بحران‌ها و راهبردهای مقابله با آن، چاپخانه نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۱.
۲۴. ناردو، دان. عصر استعمارگری، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷.

۲۵. هاشمی، جمال. بالندگی و بازندگی ایرانیان، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
۲۶. هوشمند، محمود و همکاران. تأثیر زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی بر حجم تجارت، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴، ۱۳۸۵.
27. R. Shediak & Others, Economic diversification: The road to sustainable development, Booz & Company, 2008.
28. C. Wallace: Trends in Social capital in the EU. Working Paper 2. Aberdeen: ACESR, 2005.
29. B. Martin, The Social and Employment Consequences of privatization in transition economics: Evidence and guidelines, Working Paper IPPRED-4
30. J. D. Brown, Employment and Wage Effects of Privatization Evidence from Hungary, Romania, Russia, and: Ukraine, IZA DP No. 3688, 2008.
31. S. J. Erenberg, The real effects of public investment on private investment, Applied Economics 23, 1993.
32. A. J. Khadaro & B. Seetanah, Transport and economic performance: the case of Mauritius, Journal of Transport Economics and Polict 42 (2), 2010.
33. H. Shatz & A. J. Venables, The Geography of international Investment, 2000.
34. World Bank working paper 2338 .
35. W. Baer, Import Substitution and industrialization in Latin America: Experience and interpretations, Latin American Research Review, Vol. 7, No. 1 (spring), 1972.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۸۱۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اقتصاد مقاومتی ۲. ویژگی‌های آن، فرصت‌ها و تهدیدها

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه بازرگانی)

تهیه و تدوین‌کنندگان: خشایار سیدشکری، زهرا کاویانی

ناظر علمی: فتح‌اله تازی

مناقضی: معاونت اقتصادی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. اقتصاد مقاومتی

۲. اقتصاد توسعه

۳. تحریم

۴. شرایط بین‌المللی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۱/۲۹